Journal of Political and International Research

China's Role in Iran-Saudi Arabia Relations and the Middle East Security Order

Saeed Totonchi[1], Majid Golparvar[2]*, Ali Bagherizadeh[3]

Received:2024/08/09
Accepted:2024/11/22

Research Article

Abstract

This study examines China's role in relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia and its impact on the Middle East security order. China, as an emerging global power, has attempted to reduce tensions between Iran and Saudi Arabia and enhance stability in the Middle East region by adopting an approach of multilateral diplomacy and political mediation. These efforts led to a historic agreement between the two countries in March 2023, which was brokered by China. The main question of this research is: How has China been able to influence Iran-Saudi Arabia relations and what role does it play in the Middle East security order? The main hypothesis is that China, using its economic power and active diplomacy, has been able to act as an effective mediator in the region and help reduce tensions and strengthen stability. The research method was descriptive-analytical, and the theoretical framework was also set based on the theories of international relations and multilateral diplomacy. The results of the research show that China, by providing economic and trade opportunities to both countries and also by emphasizing economic diplomacy and political mediation, has played an important role in reducing tensions and strengthening regional stability. These actions have led to China being recognized as a key player in maintaining the Middle East security order.

Keywords: China, Iran, Middle East, Saudi Arabia, Security Order

Totonchi, S., Golparvar, M., & Bagherizadeh, A. (2024). China's Role in Iran-Saudi Arabia Relations and the Middle East Security Order. *Journal of Political and International Research, 16*(61), pp.33-56.

[1] Ph.D. Student in International Relations, Islamic Azad University, Rafsanjan Branch, Rafsanjan, Iran.*Totonchi_2000@yahoo.com*

[2] Faculty Member, Department of International Relations, Islamic Azad University, Baft Branch, Baft, Iran. (**Corresponding Author**) *Majid.golparvar@gmail.com*

[3] Faculty Member, Department of International Relations, Islamic Azad University, Rafsanjan Branch, Rafsanjan, Iran. *Ali_bagherizadeh@yahoo.com*

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی

نقش چین در روابط ج.ا.ایران و عربستان و نظم امنیتی خاورمیانه

سعید توتونچی[۱]، مجید گل پرور*[۲]، علی باقری زاده[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲	مقاله پژوهشی

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش چین در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر نظم امنیتی خاورمیانه می‌پردازد. چین، به عنوان یک قدرت جهانی در حال ظهور، با اتخاذ رویکرد دیپلماسی چندجانبه و میانجیگری سیاسی، تلاش کرده است تا تنش‌ها بین ایران و عربستان سعودی را کاهش داده و ثبات را در منطقه خاورمیانه تقویت کند. این تلاش‌ها منجر به توافق تاریخی بین دو کشور در مارس ۲۰۲۳ شد که به واسطه میانجیگری چین حاصل گردید. پرسش اصلی این پژوهش آن است که: چگونه چین توانسته است بر روابط ایران و عربستان سعودی تأثیر بگذارد و چه نقشی در نظم امنیتی خاورمیانه ایفا می‌کند؟ فرضیه اصلی بر این مبنا است که چین، با استفاده از قدرت اقتصادی و دیپلماسی فعال، توانسته است به عنوان یک میانجی مؤثر در منطقه عمل کرده و به کاهش تنش‌ها و تقویت ثبات کمک کند. روش پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی بوده است و چارچوب نظری نیز بر اساس نظریات روابط بین‌الملل و دیپلماسی چندجانبه تنظیم شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چین، با ارائه فرصت‌های اقتصادی و تجاری به هر دو کشور و همچنین با تأکید بر دیپلماسی اقتصادی و میانجیگری سیاسی، نقش مهمی در کاهش تنش‌ها و تقویت ثبات منطقه‌ای ایفا کرده است. این اقدامات موجب شده است که چین به عنوان یک بازیگر کلیدی در حفظ نظم امنیتی خاورمیانه شناخته شود.

کلمات کلیدی: ایران، عربستان سعودی، چین، خاورمیانه، نظم امنیتی

واژگان کلیدی: ایران، عربستان سعودی، چین، خاورمیانه، نظم امنیتی

توتونچی؛ سعید، گل پرور؛ مجید، باقری زاده؛ علی (۱۴۰۳). نقش چین در روابط ج.ا.ایران و عربستان و نظم امنیتی خاورمیانه. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ٦١، صفحات ٥٦-٣٣.

[۱] دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران *Totonchi_2000@yahoo.com*

[۲] عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بافت، بافت، ایران **(نویسنده مسئول)** *Majid.golparvar@gmail.com*

[۳] عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران *Ali_bagherizadeh@yahoo.com*

۱–بیان مسئله

از زمان بهار عربی در سال ۲۰۱۰، خاورمیانه با چالش‌های چندبعدی و پیچیده‌ای روبرو شده است. یکی از عوامل اصلی بحران امنیتی کنونی، رقابت و بی‌اعتمادی عمیق بین دو بازیگر اصلی منطقه، یعنی ایران و عربستان سعودی است. با سقوط صدام حسین در عراق در سال ۲۰۰۳ و روی کار آمدن دولت شیعه در این کشور، توازن قوا در منطقه به طور چشمگیری تغییر کرد. این تحول، ایران را جسورتر کرد و در عین حال، نگرانی‌های عربستان سعودی را در مورد نفوذ منطقه‌ای خود افزایش داد. بحران یمن نیز به این نگرانی‌ها دامن زد. حمایت ایران از حوثی‌های یمن، به طور مستقیم، سلطه عربستان سعودی را در منطقه به چالش کشید. علاوه بر این، گسترش همکاری‌های ایران با قطر و کویت، روابط این کشورها با عربستان سعودی را تیره و تار کرد. در این راستا جنگ‌های نیابتی و اتحادهایی که تحت تأثیر رقابت ایران و عربستان سعودی شکل گرفته‌اند، نیز تهدیدی جدی برای امنیت منطقه در سال‌های آینده به شمار می‌روند. آنچه به عنوان یک رقابت مذهبی و تاریخی آغاز شد، اکنون به رقابتی شدید برای برتری ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک تبدیل شده است.

پیش از دهه ۱۹۷۰، ایران و عربستان سعودی از روابط نسبتاً متوازنی برخوردار بودند و حتی در زمان سیطره آمریکا بر خلیج فارس پس از افول قدرت بریتانیا، به «دو ستون منطقه» شهرت داشتند. اما انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و روی کار آمدن دولت شیعه به رهبری امام خمینی (ره)، چشم‌انداز منطقه‌ای را به طور اساسی تغییر داد. بعد مذهبی این درگیری تشدید شد و جایگزین دوران گذشته همکاری محتاطانه گردید. این چشم‌انداز بدبینانه، به طور چشمگیری با دوران شاه ایران که شاهد نوعی همکاری بود، در تضاد است.

با توجه به این شرایط، لازم است که تلاش‌های دیپلماتیک و تعاملات منطقه‌ای برای حل این چالش‌ها افزایش یابد. ایران با داشتن تاریخی غنی، فرهنگی پویا و مردمی باهوش، نقش کلیدی در ایجاد صلح و ثبات در منطقه ایفا می‌کند. با نگاهی به آینده، امیدوار است که این رقابت‌ها به همکاری و تعامل سازنده تبدیل شود تا خاورمیانه به منطقه‌ای امن‌تر و پایدارتر تبدیل گردد. در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر همسایگی و تعامل سازنده با کشورهای منطقه، به دنبال ایجاد ثبات و امنیت پایدار در خلیج فارس بوده است. اما، برخی از کشورهای منطقه با حمایت از گروه‌های تروریستی و تکفیری، به دنبال ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه هستند.

با این حال، ریشه‌های این درگیری بسیار عمیق‌تر از آنچه به نظر می‌رسد، در نظر گرفته می‌شود. با این حال، موانع مهمی نیز وجود دارد، چرا که برخی کشورهای منطقه با حمایت از گروه‌های تروریستی و تکفیری، به جای همکاری برای ایجاد امنیت، به بی‌ثبات‌سازی منطقه پرداخته‌اند. این موضوع باعث شده تا تلاش‌های ایران برای دیپلماسی و همکاری منطقه‌ای با چالش‌های جدی روبرو شود. رقابت میان ایران و عربستان سعودی به‌عنوان یک فرآیند پیچیده تحلیل می‌شود که مجموعه‌ای از عناصر چندبعدی مانند هویت ملی، ملاحظات اقتصادی، اعتقادات مذهبی، نظام‌های سیاسی و توانایی‌های نظامی را شامل می‌شود. از منظر هویتی، تلاش برای گسترش نفوذ منطقه‌ای هر دو کشور مشاهده می‌شود، به‌ویژه از آنجا که هویت‌های مذهبی و ملی آن‌ها در این رقابت نقش محوری ایفا می‌کنند.

ایران با ایدئولوژی شیعی و انقلابی و عربستان سعودی با محوریت تسنن محافظه‌کار و وهابیت، هر دو به‌عنوان مراکز مهم مذهبی در جهان اسلام دیده می‌شوند و این تضاد موجب تشدید رقابت می‌گردد. در حوزه اقتصادی، وابستگی به منابع نفتی و رقابت برای کنترل بازارهای جهانی انرژی، یکی از محورهای این درگیری به شمار می‌رود. در این راستا، مشاهده می‌شود که هر دو کشور با استفاده از ظرفیت‌های خود برای تأثیرگذاری بر بازار جهانی انرژی تلاش می‌کنند تا جایگاه خود را در عرصه اقتصادی تقویت نمایند. از منظر مذهبی نیز تقابل شیعه و سنی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در تحلیل این درگیری مطرح می‌شود، به‌خصوص در کشورهایی که این دو فرقه مذهبی هم‌زمان حضور دارند. از دیدگاه سیاسی، تضاد نظام‌های حکومتی ایران و عربستان به‌عنوان یکی دیگر از عوامل اساسی در نظر گرفته شده است، چرا که هر دو کشور به دنبال تثبیت مدل حکومتی

خود به‌عنوان الگوی موفق منطقه‌ای هستند. در نهایت، توانایی‌های نظامی و رقابت تسلیحاتی نیز به‌عنوان عاملی دیگر در تشدید این درگیری شناخته شده است، به‌ویژه با توجه به حمایت از نیروهای نیابتی در کشورهای مختلف. به‌طور کلی، این درگیری به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین رقابت‌های ژئوپلیتیکی معاصر تفسیر می‌شود که از ترکیب عناصر متنوعی از هویت، اقتصاد، مذهب، سیاست و نظامی‌گری نشأت گرفته است.

ایران همواره بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و گفت‌وگوی سازنده تأکید ورزیده است و با رویکردی مبتنی بر صلح و عدالت، در جهت ایجاد ثبات و امنیت در منطقه تلاش نموده است. اتکا به ظرفیت‌های داخلی و تکیه بر توانمندی‌های مردمی،ایران را به یک قدرت منطقه‌ای مؤثر و مستقل تبدیل کرده است که نقش بی‌بدیلی در حفظ تعادل و آرامش در منطقه ایفا می‌کند.

توافقنامه جامع همکاری راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین، گامی مهم در جهت توسعه همکاری‌های دو جانبه و تقویت جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود. این توافقنامه که با رویکردی بلندمدت و مبتنی بر منافع مشترک تدوین شده است، نشانگر عزم راسخ دو کشور برای گسترش روابط در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد. مقامات ایرانی این توافقنامه را نقطه عطفی در تاریخ دیپلماسی کشور می‌دانند و بر این باورند که این همکاری راهبردی، فرصت‌های بی‌نظیری را برای توسعه و پیشرفت ایران فراهم خواهد آورد. بی‌شک، این توافقنامه با استقبال گسترده مردم و نخبگان ایرانی مواجه شده و امیدواریم که به نتایج ملموس و مثبتی برای هر دو کشور منجر شود.

در حالی که برخی از ناظران خارجی ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی در مورد این توافقنامه داشته باشند، اما دولت و مردم ایران با اطمینان کامل به آینده این همکاری، به دنبال تحقق اهداف بلندمدت خود در راستای توسعه و پیشرفت کشور هستند. در واقع به گفته مقامات جمهوری اسلامی، این توافقنامه در ژانویه ۲۰۲۲ وارد مرحله اجرا شد. این توافقنامه چندبعدی فعلی واکنش‌های متفاوتی را در داخل جمهوری اسلامی ایران و عرصه بین‌المللی به همراه داشته است. در این راستا برخی دیگر از پژوهشگران به آرای مثبت چین در شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کنند و توافقنامه ۲۵ ساله را صرفاً لفاظی می‌دانند که دستاورد قابل توجهی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه نخواهد داشت. در حالی که هنوز باید دید که توافق چگونه اجرا خواهد شد، تشریح این توافقنامه چندبعدی در متن تغییرات عمیق و گسترده در نظام بین‌المللی می‌تواند اهدافی را که پکن و تهران از این توافقنامه دنبال می‌کنند، روشن کند.

روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران و چین در واقع به دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد. با این حال، در سال ۲۰۱٦ و در جریان سفر شی جین پینگ به تهران، دو کشور تصمیم گرفتند روابط دوجانبه را به سطح راهبردی جدیدی ارتقا دهند که مشارکت راهبردی جامع نامیده می‌شود. دیپلماسی معاصر دولت به دولت چین در ٢٤ سطح مختلف توافقنامه مشارکت بر اساس منطق سلسله مراتبی تعریف شده است. بر این اساس، مشارکت راهبردی جامع به عنوان ششمین سطح مشارکت چین و جمهوری اسلامی ایران از نظر اهمیت رتبه بندی شده است.

مطمئناً، پکن تنها روابط خود را با آن دسته از کشورهای منطقه‌ای در سطح مشارکت راهبردی جامع تعریف کرده است که آن را «به عنوان مهم‌ترین کشورهای منطقه‌ای» می‌شمارد و منافع خود را تأمین می‌کند(بیانیه مشترک مشارکت راهبردی جامع بین جمهوری اسلامی ایران، ۲۰۱٦). تحولات گسترده خاورمیانه در دو دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران را به یک قدرت منطقه‌ای انکارناپذیر تبدیل کرده است. درگیری‌های منطقه‌ای متعدد و خصومت دیرینه بین تهران و واشنگتن، آمریکا و متحدانش را از همراهی با ظهور جمهوری اسلامی ایران به قدرت بازداشته است.

بدین ترتیب، تحریم‌های گسترده‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال شده و همکاری‌های منطقه‌ای غیررسمی جدیدی مانند توافقنامه ابراهام شکل گرفته است. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران به شرق روی آورده است. گسترش رقابت‌های راهبردی بین چین و آمریکا، حرکت چین به سمت قاطعیت و تمایل آن به تغییر نظم موجود به جای حفظ وضع موجود، فرصتی را برای یک مشارکت راهبردی بین قدرت‌های جهانی و قدرت‌های منطقه‌ای نوظهور فراهم کرده است. بنابراین، اهداف

مشترک مهم، مانند محدود کردن قدرت‌نمایی آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند، نشان می‌دهد که مشارکت راهبردی چین و جمهوری اسلامی ایران مهم‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد «نگاه به شرق» جمهوری اسلامی ایرانو «پیشروی به غرب» چین می‌توانند اقدامات همسو و متقابلاً سودمندی باشند. این به این معناست که هر دو کشور می‌توانند از این رویکردها برای تقویت روابط اقتصادی و سیاسی خود بهره‌برداری کنند.

ممکن است استراتژی سنتی «اژدهای محتاط» پکن در خاورمیانه با افزایش قدرت و گسترش نفوذ آن رو به کاهش باشد. کاهش نسبی نفوذ و منافع آمریکا در منطقه این تغییر را هر چه بیشتر موجه می‌کند. در همین راستا، نقش چین به عنوان یک میانجی‌گر و بازیگر فعال در منطقه، بسیار حائز اهمیت است. امضای توافقنامه همکاری جامع ۲۵ ساله بین ایران و چین، نقطه عطفی در روابط دو کشور بوده و نشان از عزم جدی پکن برای افزایش نفوذ خود در منطقه دارد. از سوی دیگر، روابط چین با عربستان سعودی نیز رو به گسترش است و این کشور به دنبال تعمیق همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با ریاض می‌باشد. نقش چین در روابط ایران و عربستان سعودی و نظم امنیتی خاورمیانه، به عنوان یک موضوع پیچیده و چندبعدی، در حال حاضر به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. چین، با هدف تأمین منابع انرژی و گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود، در حال تقویت روابط خود با جمهوری اسلامی ایران است. این کشور نه تنها به عنوان یک شریک اقتصادی، بلکه به عنوان یک بازیگر استراتژیک در عرصه سیاست‌های امنیتی خاورمیانه عمل می‌کند.

با توجه به تحولات اخیر در روابط ایران و عربستان، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ زیرا چین به دنبال ایجاد توازن قوا و کاهش نفوذ آمریکا در این منطقه است. از سوی دیگر، چین به دلیل موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی ایران، مزایای قابل توجهی نسبت به کشورهای عربی خلیج فارس دارد. ایران به عنوان یک کشور دارای منابع غنی انرژی و موقعیت استراتژیک در جغرافیای سیاسی منطقه، برای چین اهمیت زیادی دارد. این رابطه می‌تواند به چین این امکان را بدهد که از طریق همکاری با ایران، به گسترش روابط خود با دیگر کشورهای خاورمیانه نیز بپردازد و در عین حال به تضعیف سلطه ایالات متحده بر این منطقه کمک کند. به همین دلیل، چین به دنبال افزایش نفوذ خود در خاورمیانه است و این نفوذ می‌تواند به ایجاد تحولات مهمی در روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منجر شود. این پژوهش در نظر دارد تا به بررسی سیاست چین در قبال آمریکا در خاورمیانه بپردازد و به این سوالات پاسخ دهد: سیاست چین در قبال آمریکا در خاورمیانه چیست؟ چین چگونه به دنبال متوازن‌سازی و مهار نفوذ آمریکا در این منطقه است؟ چگونه روابط چین با جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی شکل می‌گیرد و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ و چین چه نقشی در تقویت روابط ایران و عربستان و کاهش نفوذ آمریکا ایفا می‌کند؟ با توجه به تحولات اخیر در خاورمیانه، این پژوهش به تحلیل تعاملات چین با این دو کشور و استراتژی‌های آن در راستای کاهش نفوذ آمریکا و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای خواهد پرداخت.

۲-پیشینه پژوهش

ترکی و هادی (۱۴۰۳) در مقاله خود به بررسی رویکرد کانتر هژمونیک چین در خلیج فارس پرداخته‌اند و نشان می‌دهند که چین چگونه به‌عنوان یک قدرت نوظهور تلاش می‌کند تا نفوذ خود را در منطقه خلیج فارس تقویت کند و در عین حال به‌عنوان رقیب هژمونیک ایالات متحده عمل نماید. غریبی و همکاران (۱۴۰۱) نیز به پیامدهای غیاب آمریکا در غرب آسیا بر سیاست خارجی ایران و عربستان پرداخته و تأکید دارند که این غیاب سبب شده تا دو کشور به سمت همکاری‌های سازنده یا رقابت‌های مخرب سوق پیدا کنند و نقش چین به‌عنوان یک بازیگر جایگزین و تأثیرگذار را برجسته می‌کنند.

الوند و حیدری (۱۴۰۰) در مقاله خود به تهدیدات ژئواستراتژیک ایران در اتحاد راهبردی عربستان و چین می‌پردازند و نشان می‌دهند که چگونه همکاری نزدیک میان چین و عربستان می‌تواند منافع ایران را تحت تأثیر قرار دهد. شکیبا و نورمحمدی (۱۴۰۳) نیز در پژوهش خود به تأثیر رقابت آمریکا و چین بر امنیت ملی ایران در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ پرداخته و تأکید می‌کنند که این رقابت می‌تواند فرصت‌هایی برای ایران جهت بهبود روابط با چین فراهم کند. منصوری و همکاران (۱۴۰۲) به

بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روابط عربستان سعودی و چین بر مبنای نظریه نوواقع‌گرایی پرداخته و تأکید دارند که چین به‌دلیل نیاز به منابع انرژی و بازارهای جدید به دنبال تقویت روابط خود با عربستان است.

حسنی و قربانی (۱۳۹۹) نیز در مقاله خود به گذار از نظم هژمونیک به نظم پساهژمونیک پرداخته و نشان می‌دهند که تغییرات در ساختار نظم جهانی چگونه ایران و عربستان را به سمت تغییرات استراتژیک در روابط خود سوق می‌دهد و بر نقش چین به‌عنوان یک قدرت جایگزین تأکید دارند.

باقری (۱٤۰۱) در مقاله خود به بررسی علل طولانی شدن مذاکرات تنش‌زدایی بین ایران و عربستان بر اساس نظریه کریستوفر هیل پرداخته و بر تأثیر متغیرهای بین‌المللی و داخلی در این مذاکرات تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه حضور چین به‌عنوان یک بازیگر جدید می‌تواند به تغییرات در این روند و در نتیجه کاهش تنش‌ها کمک کند.

مهدیی و صالح‌آبادی (۱٤۰۲) نیز به تحلیل کدهای ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و تأکید دارند که این روابط با قدرت‌های بزرگ نظیر چین می‌تواند بر امنیت ملی و ثبات منطقه‌ای تأثیرگذار باشد. ارم و همکاران (۱٤۰۱) در مقاله خود به تجزیه و تحلیل استراتژی‌های سیاست خارجی ایران و عربستان با استفاده از مدل سوات می‌پردازند و نشان می‌دهند که چگونه چین می‌تواند به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در تقویت روابط با هر دو کشور عمل کند.

در نهایت، هاتون[1] (۲۰۲۲) به استراتژی متوازن‌سازی چین بین عربستان و ایران پرداخته و بر نقش این کشور در کاهش تنش‌ها و تقویت روابط میان آن‌ها تأکید می‌کند. فالتون[2] (۲۰۲۱) نیز به بررسی موقعیت چین بین ایران و کشورهای خلیج فارس پرداخته و چالش‌های این روابط را تحلیل می‌کند.

همچنین بیلال و همکاران[3] (۲۰۲٤) به بررسی نزدیکی ایران و عربستان و نقش چین در سیاست‌های منطقه‌ای می‌پردازند. زوری[4] (۲۰۲۳) نیز به وضعیت عربستان و ایران در یک نظام جهانی چندقطبی می‌پردازد و فالتون (۲۰۲۰) به روابط چین و عربستان از طریق الگوی همکاری "۱+۲+۳" توجه می‌کند.

در نهایت، احمدیان[5] (۲۰۲۳) به تحلیل تأثیر سیاست‌های آمریکا بر تنش‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان می‌پردازد و به چالش‌هایی که چین در این زمینه با آن‌ها مواجه است، تأکید می‌کند. موضوع پژوهش به بررسی نقش چین در خاورمیانه و به‌ویژه در روابط ایران و عربستان سعودی و تأثیر این روابط بر نفوذ ایالات متحده در منطقه پرداخته می‌شود. با توجه به تغییرات جغرافیایی–سیاسی و ظهور چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی، استراتژی‌های چین در تعامل با ایران و عربستان تحلیل می‌شود. همچنین، تأثیر متقابل این روابط بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و منافع آمریکا در خاورمیانه مورد توجه قرار می‌گیرد. در این راستا، استفاده از نظریه‌های بین‌المللی و تحلیل‌های استراتژیک به درک ساختارهای پیچیده‌ای که روابط این کشورها را شکل می‌دهند، کمک می‌کند. در این راستا نوآوری پژوهش نیز در چند جنبه مهم نهفته است.

نخست، در حالی که مطالعات قبلی بیشتر به تحلیل دو جانبه روابط ایران و عربستان یا روابط این کشورها با آمریکا پرداخته‌اند، پژوهش به بررسی نقش چین به‌عنوان یک بازیگر سوم و تأثیر آن بر تعاملات ایران و عربستان می‌پردازد. نقش چین در زمینه‌سازی برای کاهش تنش‌ها و تقویت روابط میان ایران و عربستان تحلیل می‌شود و این موضوع در زمینه‌ی تغییرات نظام جهانی و ظهور نظم پساهژمونیک قرار داده می‌شود.

در نهایت، پژوهش به دنبال ایجاد یک چارچوب تحلیلی جامع برای درک تأثیرات چندبعدی روابط ایران و عربستان بر امنیت منطقه‌ای و همچنین چگونگی استفاده از این روابط برای کاهش نفوذ آمریکا در خاورمیانه است. این رویکرد تحلیلی می‌تواند به فهم بهتری از تحولات آینده در خاورمیانه کمک کند و اطلاعات مفیدی برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک به سیاست‌گذاران ارائه دهد.

---

[1] Houghton
[2] Fulton
[3] Bilal
[4] Zorri
[5] Ahmadian

۳–روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش کیفی است و بر مبنای تحلیل منابع ثانویه صورت گرفته است. این روش به‌طور عمده بر مرور ادبیات موجود، تحلیل و تبیین داده‌ها از منابع مختلف استوار است. داده‌ها از طریق موتورهای جستجو و کتابخانه‌های آنلاین گردآوری شده و شامل مقالات پژوهشی، کتاب‌ها، گزارش‌ها و منابع معتبر دیگر است. در این روش، از "تحقیق فعال" استفاده شده، به این معنا که پژوهشگر به طور مستمر آثار و مطالعات سایر محققان را تحلیل و با دیدی انتقادی بررسی کرده است. فرضیه پژوهش نیز از طریق تحلیل ادبیات موجود شکل گرفته و به‌عنوان چارچوب تفسیری برای هدایت تحقیق عمل کرده است. چارچوب نظری این پژوهش، نظریه رئالیسم تدافعی است که مبنای اصلی برای تحلیل و تبیین نقش توازن قدرت در حفظ امنیت خاورمیانه می‌باشد. همچنین، تمامی اصول اخلاقی پژوهش رعایت شده است تا از هرگونه سرقت ادبی جلوگیری شود و ارجاعات به‌درستی ثبت گردند. علاوه بر این، ماهیت این پژوهش بر اساس مرور ادبیات، توصیفی- تحلیلی است. فرضیه این پژوهش از پیش تعیین شده و قابل آزمون نیست. برخلاف فرضیه‌های قابل آزمون، این فرضیه از پیش تعیین شده که از طریق مرور ادبیات شکل گرفته، فرضیه‌ای است که منجر به پژوهش می‌شود. این فرضیه، تفسیری و هدایت‌کننده پژوهش است. در این پژوهش از روش تحقیق فعال استفاده شده است؛ به این معنا که در طول فرآیند تحقیق، آثار سایر متخصصان و پژوهشگران برای دستیابی به مسیر درست تحقیق تحلیل شده است. این پژوهش اساساً بر مبنای نظریه رئالیسم تدافعی بنا شده است که به ایجاد مبنای پژوهش کمک می‌کند و بر این باور است که با حفظ توازن قدرت، امنیت خاورمیانه باثبات باقی خواهد ماند. بخش عمده داده‌ها از منابع ثانویه مانند کتاب‌ها، مقالات پژوهشی از مجلات، روزنامه‌ها و گزارش‌ها جمع‌آوری شده است. در این مطالعه، تمامی داده‌ها تحلیل و ارجاعات لازم به‌طور مناسب ذکر شده‌اند. همچنین، تمام اصول اخلاقی پژوهش رعایت شده تا از هرگونه سرقت ادبی جلوگیری شود.

۴–رقابت راهبردی ایران و عربستان سعودی: شکل‌گیری و پیامدها

ایران و عربستان سعودی نقش کلیدی در تعیین امنیت خاورمیانه دارند. انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ و برقراری جمهوری اسلامی، پیامدهای راهبردی عمیقی برای منطقه و جهان اسلام داشته است. در دوران جنگ سرد، ایران و عربستان سعودی به عنوان «دو ستون» امنیت خلیج فارس شناخته می‌شدند (برانن، ۱۹۹٤: ۱۰–٤؛ ذکریا، ۲۰۱۹: ۱۸–۹). برای مثال، هر دو پادشاهی، کمونیسم شوروی در دوران جنگ سرد و جریان ناسیونالیسم عرب را تهدیدی برای خود می‌دانستند.

با این حال، عربستان سعودی با استفاده از نفوذ خود به عنوان تأمین‌کننده اصلی نفت، تلاش کرد تا نقش ایران را در جریان تحریم نفتی اعراب پس از جنگ یوم کیپور، کاهش دهد. این اقدام، منجر به افزایش درآمدهای عربستان شد. در ایران، انقلاب اسلامی باعث شد تا هزینه‌های دفاعی برای تقویت کنترل داخلی و موقعیت منطقه‌ای، افزایش یابد.

دوره‌ای مهم از رقابت راهبردی ایران و عربستان سعودی، پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ آغاز شد. این حمله، تأثیرات عمیقی بر منطقه خاورمیانه و به ویژه بر روابط دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی داشتحمله آمریکا به عراق رقابتی میان ایران و عربستان سعودی را تشدید کرد، زیرا عربستان از سیاست‌های ضدایرانی در منطقه حمایت می‌کرد. به عنوان مثال، رهبران سیاسی عراق که در تبعید به سر می‌بردند، پس از حمله به عراق بازگشتند که این موضوع، نفوذ قابل توجهی را برای تهران در دولت عراق پس از سال ۲۰۰۳ به ارمغان آورد (داج و بانتون، ۲۰۰٤: ۷۳۷– ۷۳۹؛ محمود و همکاران، ۲۰۲۰).

بیداری اسلامی، شکاف بین مردم و حاکمان را آشکار کرد و رقابت ژئوپلیتیکی را در منطقه آغاز نمود. قیام‌های عربی که از سال ۲۰۱۰ آغاز شد، فرصت‌هایی را برای هر دو کشور ایران و عربستان سعودی فراهم ساخت. برای مثال، خطوط فرقه‌ای در سوریه و بحرین، فضایی را برای هر دو کشور ایران و عربستان سعودی ایجاد کرد تا به بهای منافع دیگران، جایگاه منطقه‌ای خود را تثبیت کنند (مابون، ۲۰۱۸: ۳؛ زهرا و همکاران، ۲۰۱۸: ٦٦–۵۹) در مورد بحرین، عربستان سعودی با اعزام نیروهای سپر

جزیره، از خاندان آل خلیفه در برابر اقدامات ایران حمایت کرد (مابون، ۲۰۱۲: ۲؛ طیب و همکاران، ۲۰۲۰: ۲۹۵؛ زهرا و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۲). رقابت میان ایران و کشورهای منطقه زمانی شدت یافت که آمریکا و عربستان سعودی با همکاری یکدیگر تلاش کردند برخی کشورهای عربی را به سمت به رسمیت شناختن اسرائیل سوق دهند. این اتحاد استراتژیک میان واشنگتن و ریاض، که با حمایت از عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل همراه بود، به چالش‌های بیشتری برای ایران در صحنه منطقه‌ای منجر شد. ایران، این اقدامات را به عنوان تهدیدی برای نفوذ و منافع خود در خاورمیانه تلقی کرد، که در نتیجه باعث افزایش تنش‌ها و پیچیده‌تر شدن معادلات امنیتی منطقه شد. این شرایط، نظم شکننده خاورمیانه را بیش از پیش دچار آشفتگی و بی‌ثباتی کرد. (حسین[1]، ۲۰۲۰).

در واقع بهبود اخیر روابط اسرائیل با برخی کشورهای عربی ممکن است منجر به روندهای جدیدی در امنیت خاورمیانه شود. توافق اسرائیل و امارات متحده عربی احتمالاً فرایند عادی‌سازی روابط را در چارچوب همکاری‌های راهبردی تقویت خواهد کرد. این وضعیت، به نگرانی ایران و به سود آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی تعبیر می‌شود، هرچند که نتایج نهایی هنوز به‌طور قطعی مشخص نیست.

کارشناسان ارزیابی کرده‌اند که توافق امارات متحده عربی و اسرائیل در بعد غیرنظامی، بر بعد نظامی روابط دو کشور نیز تأثیر خواهد گذاشت. از آنجا که این توافق اکنون شامل تجارت، فناوری، گردشگری و همچنین مقابله با تهدید مشترک ایران است، هر دو کشور اسرائیل و امارات متحده عربی، همکاری در زمینه‌های نظامی را نیز بررسی خواهند کرد. امارات متحده عربی قبلاً علاقه خود را به سیستم دفاع موشکی گنبد آهنین اسرائیل نشان داده است (ازودی[2]، ۲۰۲۰). خرید این فناوری‌های نظامی پیشرفته از اسرائیل موقعیت ایران را در زمینه امنیت خاورمیانه تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن را در وضعیت ناامنی قرار می‌دهد. علاوه بر امارات متحده عربی، بحرین و عمان نیز روابط خود را با اسرائیل بهبود بخشیده‌اند و به خرید سلاح‌های جدید پرداخته‌اند.

همچنین، عربستان سعودی به طور پنهانی با اسرائیل همکاری می‌کند تا علیه ایران عمل کرده و توازن قدرت را در خاورمیانه حفظ کند. در واقع نگرانی امنیتی دیگر کشورهای عربی از ایران، به ویژه عربستان سعودی، آنها را به سمت حمایت اسرائیل برای مهار ایران در منطقه سوق داده است.

۵-تجزیه و تحلیل و بحث

۵-۱-عوامل شکل دهنده رقابت راهبردی ایران و عربستان سعودی

۵-۱-۱-عامل سیاسی

مسائل پیچیده امنیتی و محیط راهبردی بین عربستان سعودی و ایران عمدتاً برای حفظ توازن قدرت در چارچوب تأثیر سیاسی، مذهبی و اقتصادی در این مناطق است. با این حال، هر دو بازیگر در حال رقابت برای به دست آوردن قدرت و نفوذ در قلمرو یکدیگر هستند. این رقابت باعث شده تا تنش‌ها بین این دو کشور افزایش یابد و به سمت رقابت‌های منطقه‌ای که مدت‌هاست در آن گرفتار شده‌اند، رشد کند. این نبرد قدرت شامل استفاده از نیروهای نیابتی، نفوذ ایدئولوژیک و تلاش برای جابجایی وضعیت قدرت در منطقه است. این رقابت‌ها ابعادی وسیع‌تر از سطح منطقه‌ای به خود گرفته و به سمت تأثیرات غیردولتی و فرامنطقه‌ای گسترش یافته است (ارسو[3]، ۲۰۱۳: ۲۹۳).

با این وجود، عربستان سعودی تلاش کرده تا با اقلیت‌های شیعه خود به تعامل بپردازد. اما اعدام شیخ نمر النمر در ژانویه ۲۰۱۶ نشان داد که این اقدامات به شدت تحریک‌آمیز بوده و باعث تشدید تنش‌های دیپلماتیک شد. در واکنش به این مسائل، ایران روابط دیپلماتیک خود را با عربستان سعودی قطع کرد. مداخله عربستان سعودی در جنگ داخلی یمن نیز نشان‌دهنده

[1]Hussain
[2]Azodi
[3]Ersoy

استراتژی قاطعانه این کشور برای مقابله با نفوذ شیعه در منطقه است. با این حال، با وجود این تنش‌ها، ایران به تاریخ کهن و فرهنگ غنی خود اشاره کرده و همواره بر اهمیت صلح و ثبات در منطقه تأکید کرده است. ایران همچنین تلاش می‌کند با دیپلماسی و گفتگو، اختلافات را به‌صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل کند و نقش اساسی در حفظ امنیت و توازن قدرت در خاورمیانه ایفا می‌کند و با همکاری و تعامل سازنده، می‌تواند به ایجاد آینده‌ای بهتر برای تمامی کشورهای منطقه کمک کند (اسلاوسون[1]، ۲۰۱٦: ۳).

۵-۱-۲-عامل مذهبی

رقابت راهبردی ایران و عربستان سعودی ریشه در اختلافات مذهبی عمیقی دارد. ایران به عنوان جمهوری اسلامی، خود را به عنوان رهبر جهان اسلام شیعه می‌بیند و عربستان سعودی به عنوان خاستگاه مکه و مدینه، خود را به عنوان رهبر جهان اسلام سنی می‌بیند. این اختلافات مذهبی، تنش‌ها را در سراسر منطقه، به ویژه در کشورهایی با جمعیت‌های مختلط شیعه و سنی، مانند عراق، بحرین و لبنان، تشدید کرده است.

پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، ایران از گروه‌های شیعه در کشورهای مختلف منطقه حمایت کرده است، در حالی که عربستان سعودی به حمایت از گروه‌های سنی پرداخته است. این حمایت‌ها موجب ایجاد رقابت و تنش‌های مذهبی و سیاسی و جنگ‌های نیابتی، خشونت فرقه‌ای و بی‌ثباتی در بسیاری از کشورهای منطقه شده است. به عنوان مثال، جنگ داخلی سوریه تا حدی به دلیل رقابت بین ایران که از بشار اسد، رئیس جمهور سوریه حمایت می‌کند و عربستان سعودی که از مخالفان او حمایت می‌کند، طولانی شده است.

۵-۱-۳-عامل اقتصادی

رقابت راهبردی ایران و عربستان سعودی همچنین بر رقابت اقتصادی آنها برای منابع و بازارها تأثیر گذاشته است. هر دو کشور از بزرگترین تولیدکنندگان نفت در جهان هستند و قیمت نفت نقش کلیدی در اقتصاد آنها ایفا می‌کند. آنها همچنین در حال رقابت برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه زیرساخت‌ها و تبدیل شدن به مراکز منطقه‌ای تجارت و گردشگری هستند. این رقابت اقتصادی منجر به تنش‌هایی در چندین جبهه شده است. به عنوان مثال، عربستان سعودی و متحدانش در سال ۲۰۱٤ سهمیه تولید خود را در اوپک افزایش دادند که منجر به سقوط قیمت نفت و آسیب به اقتصاد ایران شد. ایران همچنین عربستان سعودی را به دامپینگ نفت در بازارها برای تضعیف اقتصاد خود متهم کرده است.

۵-۱-۴-عامل نظامی

در زمینه نظامی، ادعای ایران در مورد استفاده صلح‌آمیز از سلاح‌های هسته‌ای در جاه‌طلبی‌های هسته‌ای‌اش، برای عربستان سعودی به عنوان نگرانی از بی‌ثباتی تلقی می‌شود. با ارتقای استفاده از انرژی هسته‌ای، که اصلی‌ترین دغدغه امنیتی عربستان سعودی در محیط رقابت راهبردی منطقه است (پاشا، ۲۰۱٦). فشارهای منطقه‌ای و افشاگری‌های داخلی مانند ایالات متحده، تأییدی بر لزوم ارتقای همزمان توان نظامی ایران است (برونون[2]، ۲۰۱۰: ۱۰-۳).

با انکار نکردن این واقعیت که رقابت راهبردی بین این دو، به‌شدت به محدودیت‌های اساسی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و در نهایت نظامی در منطقه خاورمیانه منجر می‌شود، با در نظر گرفتن همه این موارد، برای رقبای منطقه‌ای، نفوذ بین‌المللی، قدرت مبارزه و معضل امنیتی اهمیت پیدا می‌کند. با ظهور ارزش‌های دموکراتیک در جریان بهار عربی و تغییر پویایی منطقه خاورمیانه، ماهیت تهدیدهای آینده به طور چشمگیری تغییر کرده است. بازیگران غیردولتی در نظام بین‌المللی قدرت گرفته‌اند و ظهور تروریسم بین‌المللی به عنوان یک ریشه جدید شکل گرفت. علاوه بر این، نظم امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه نیز از دو

[1]Slawson
[2]Brannon

قطبی به سه قطبی با ظهور ترکیه به عنوان یک بازیگر مهم جدید، تغییر یافته است. تأثیر عمیق معضل امنیتی ناشی از گروه‌های محلی که احتمالاً با وضع موجود مخالف هستند و مصمم به تغییر رژیم هستند، منجر به تلاش عربستان سعودی و ایران برای کاهش معضل ناامنی و در نتیجه، ثبات و مشروعیت بخشیدن به رژیم‌هایشان می‌شود. تردیدی نیست که تعدادی از کشورها هنوز درگیر برخی از مناقشات در منطقه خاورمیانه هستند. دلیل اصلی تنش بین عربستان سعودی و ایران، معضل امنیتی است. با این حال، هنگامی که موضوع به حاکمیت کشورها مربوط می‌شود، معضل امنیتی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و به همین دلیل، معضل امنیتی به معضل ناامنی تبدیل می‌شود. هنگامی که تهدیدهای خارجی دریافت می‌شود، امنیت داخلی رژیم‌های کشورها مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد (هواوین، ۲۰۱۵: ۷۹-۶۹). به همین دلیل، هر دو کشور هوشمندانه بازی می‌کنند تا حتی به بهای ناامنی‌های داخلی، یک رژیم مؤثر را اداره کنند.

با توجه به رقابت راهبردی بین این دو کشور، ناامنی رژیم‌های آنها در کشورهایشان، آنها را متقاعد می‌کند تا با بازدارندگی از ناامنی ملی در روابط خارجی، حمایت‌کنندگان و حامیان خود را ایجاد یا از درگیری‌های بین‌المللی بهره‌برداری کنند تا امنیت داخلی، رژیم‌ها و سطح بالایی از ناامنی جهانی را تبیین کنند. برای ایجاد تغییراتی در امنیت توسط رژیم‌های ناامن در داخل کشور، اهمیت همکاری در مورد معضل امنیتی فرصت‌های وسیع و دارایی‌های عمیقی را برای مشارکت ایران و عربستان سعودی در درگیری‌های منطقه‌ای در سطح بین‌المللی به همراه دارد (مابون، ۲۰۱۳: ۱۵).

۵-۲- جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی غرب‌گرای چین و نقش آن

استراتژی چین در خاورمیانه از طریق دو رویکرد اصلی سیاست خارجی اجرا می‌شود: نخست، چین به دنبال ایجاد روابطی متوازن و پایدار با تمام کشورهای خاورمیانه، به ویژه قدرت‌های اصلی منطقه خلیج فارس، از جمله جمهوری اسلامی ایران است. پکن با اتخاذ منطقی توسعه‌محور و ایجاد روابط راهبردی با این کشورها، توانسته از ورود به درگیری‌های سیاسی بین کشورهای مختلف اجتناب کند. تضمین منافع امنیت ملی چین در خلیج فارس مستلزم اجتناب حداکثری از گرفتار شدن در رقابت‌های منطقه‌ای بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران است. ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و منابع غنی خود، نقشی کلیدی در راهبرد چین در منطقه ایفا می‌کند (چوئن، ۲۰۲۱: 22).

در این راستا، معامله‌ای در سال ۲۰۲۳ بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، یک تحول عمیقاً مهم و تأثیرگذار است، نه تنها به خودی خود، بلکه به دلیل نقش برجسته پکن به عنوان تسهیل‌کننده این توافق. نقش واسطه‌گری چین تأثیرات چشمگیری بر ساختار امنیت منطقه‌ای خاورمیانه دارد و احتمالاً تغییرات الگویی و پیش‌بینی‌نشده‌ای را در دینامیک قدرت منطقه به دنبال خواهد داشت. این معامله، جایگاه چین را به عنوان یک قدرت جهانی که قادر به اعمال نفوذ قابل توجه در سراسر خاورمیانه است، تثبیت می‌کند و همچنین نشان‌دهنده کاهش مداوم قدرت آمریکا در منطقه است. این توافق نشان می‌دهد که چین می‌تواند در آینده به عنوان یک میانجی قدرتمند در خاورمیانه عمل کند؛ لذا اعتبار چین را به عنوان شریک کشورهای منطقه تقویت کرده و پکن را به عنوان منبعی قابل اعتماد و مؤثر برای حمایت خارجی معرفی می‌کند.

این معامله، راه را برای جمهوری اسلامی ایران هموار می‌کند تا روابط خود را با سایر کشورهای عربی مانند مصر، بحرین و اردن عادی‌سازی کند، که این امر به طور بالقوه می‌تواند محرک تحقق خاورمیانه‌ای «بدون غرب» باشد. چین صراحتاً نشان داده است که مسائل منطقه را می‌توان از طریق ابزارهای دیپلماتیک حل کرد، برخلاف استراتژی عمدتاً ناکارآمد آمریکا که متکی بر جنگ‌ها، تحریم‌ها و فشارهای سیاسی است و کمک‌های نظامی مشروط به متحدان را ارائه می‌دهد.

این دیدگاه، نشان از برتری رویکرد دیپلماتیک و همکاری محور چین در مقابل رویکرد تقابلی و نظامی آمریکا دارد و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این فرصت برای تقویت روابط و منافع ملی خود بهره‌برداری کند(هادسون و همکاران، ۲۰۲۳: ۲-٤).

۵-۳- چین، عربستان و ایران

روابط چین با کشورهای خاورمیانه در چارچوب «دیپلماسی مشارکت» تعریف و ارتقاء یافته است. چین تاکنون توافقنامه‌هایی برای مشارکت با ۱۳ کشور منطقه امضا کرده است. از این میان، پنج توافقنامه با عنوان «مشارکت راهبردی جامع» و هشت توافقنامه با عنوان «مشارکت راهبردی» امضا شده است. قابل ذکر است که چین تنها روابط خود را با آن دسته از کشورهای منطقه که در سطح «مشارکت راهبردی جامع» تعریف کرده است، به عنوان مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای در شکل‌دهی به تحولات منطقه‌ای و تأمین منافع خود می‌داند. این کشورها عبارتند از عربستان سعودی، امارات متحده عربی، الجزایر، مصر و جمهوری اسلامی ایران (هاتون[1]، ۲۰۲۱: ۱۴۰-۱۴۱).

که این ترکیب نشان می‌دهد که چین اهمیت ویژه‌ای به جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای می‌دهد و به نقشی کلیدی در تحولات خاورمیانه و تأمین منافع مشترک توجه دارد. چین با درک موقعیت استراتژیک و ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی ایران، روابط خود را در سطح «مشارکت راهبردی جامع» با ایران تعریف کرده است که این امر نشان‌دهنده تمایل پکن به همکاری بلندمدت و استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران است. این روابط متوازن و پایدار نشان‌دهنده رویکرد چین در اولویت‌دهی به کشورهایی است که می‌توانند به شکل‌دهی به آینده منطقه کمک کنند و منافع مشترک دو کشور را تأمین نمایند(هاتون، ۲۰۲۱: ۱۴۰-۱۴۱).

چین اکنون در خلیج فارس در موقعیت مطلوبی قرار دارد، به این معنا که همزمان با جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی «مشارکت راهبردی جامع» برقرار کرده است (گیسلی و گیوفریدا[2]، ۲۰۲۰: ۱۰-۲۰). روابط پکن با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به دلیل ابتکاراتی مانند اتصال پارک‌های صنعتی به بنادر و رویکرد «دو چرخ، دو بال» که هر دو در سال ۲۰۱۸ به عنوان اصول اساسی سرمایه‌گذاری چین در کشورهای عربی منطقه معرفی شدند، از قبل فعال و اجرایی شده است. این ابتکارات به چین کمک می‌کند تا زنجیره‌های تأمین و خوشه‌های کسب و کار در خلیج فارس را به آب‌های بین‌المللی متصل کند و بدین ترتیب منافع تجاری خود را تضمین نماید (مارکی، ۲۰۲۰: ۲۱).

با این حال، جمهوری اسلامی ایران به دلیل اعمال مجدد تحریم‌ها پس از خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای، نتوانسته است سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین را جذب کند. اما این بدان معنا نیست که چین در درازمدت کشورهای عربی خلیج فارس را بر جمهوری اسلامی ایران اولویت دهد. تهران و پکن بر سر یک قرارداد ۲۵ ساله چندبعدی به توافق رسیده‌اند و هر دو طرف آگاهند که برخی از جنبه‌های این توافقنامه آینده‌نگرانه خواهد بود (گیسی و گیوفریدا، ۲۰۲۰: ۱۰-۲۰).

علاوه بر این، امارات متحده عربی و عربستان سعودی در مراحل اولیه شکل‌دهی سیاست امنیتی مستقل خود قرار دارند. به عنوان مثال، عربستان سعودی شروع به ساخت موشک‌های بالستیک خود کرده است و امارات متحده عربی علی‌رغم مخالفت صریح آمریکا، به پکن اجازه داده است تا یک تأسیسات نظامی در یک بندر اماراتی ایجاد کند. آنها تا همین اواخر تحت چتر امنیتی ایالات متحده قرار داشتند و تازه شروع به تعریف سازمان‌های امنیتی خود کرده‌اند. در این زمینه، جمهوری اسلامی ایران به دلیل تلاش برای تدوین مستقل دکترین دفاعی خود پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، از کشورهای عربی خلیج فارس بسیار جلوتر است. این ویژگی در درازمدت و به ویژه در صورت تشدید تنش‌های چین و آمریکا، برتری جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای عربی منطقه را به همراه دارد (مارکی، ۲۰۲۰: ۲۳).

۵-۴- مشارکت راهبردی جامع جمهوری اسلامی ایران و عربستان و اهداف چین

اگرچه چین توافقنامه‌های مشابهی را با سایر بازیگران منطقه‌ای از جمله عربستان سعودی امضا کرده است، اما ویژگی متمایز کننده‌ی مشارکت چین با جمهوری اسلامی ایران ماهیت کاملاً ضدآمریکایی این رابطه، استقلال سیاسی جمهوری اسلامی ایران از سایر قدرت‌های بزرگ و نیاز مبرم جمهوری اسلامی ایران به حمایت سیاسی و اقتصادی چین در رویارویی آشکار با غرب

[1]Houghton
[2]Ghiselli & Giuffrida

است. چین، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان ابزاری برای ایجاد توازن قوا در خاورمیانه می‌بیند. تهران و پکن مشارکت خود را بر اساس منافع و چشم‌اندازهای مشترک ملی و بین‌المللی به سطح راهبردی جدیدی ارتقا داده‌اند. با این وجود، این بدان معنا نیست که رابطه‌ای متقارن شکل خواهد گرفت. به هر حال، چین اکنون به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی شناخته می‌شود، در حالی که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای همچنان بخشی از پیرامون در نظر گرفته می‌شود. چین با بهره‌برداری از نقش جمهوری اسلامی ایران به عنوان ابزاری برای حفظ توازن قوا، می‌تواند همزمان از رویارویی مستقیم با ایالات متحده در منطقه اجتناب کند (سایت ریاست جمهوری[1]، ۱۴۰۲).

چین به دلیل محدودیت‌های نظامی خود در گسترش نفوذ در خلیج فارس، به جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک شریک منطقه‌ای کلیدی وابسته است. یکی از ویژگی‌های بارز جمهوری اسلامی ایران که توافق با چین را ارزشمند می‌کند، توانایی آن در محدود کردن نفوذ و قدرت‌نمایی آمریکا در خلیج فارس است. با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی منحصر به فرد خلیج فارس و محدودیت‌های ایران در مواجهه مستقیم با آمریکا، جمهوری اسلامی ایران به سمت توسعه قابلیت‌های(Anti-A2/AD (Access/Area Denialسوق پیدا کرده است (صالح و یزدانمنش[2]، ۲۰۲۰).

چین نیز در حال توسعه قابلیت‌های پیشرفته A2/AD است که شامل موشک‌های بالستیک، هواپیماهای ضربتی، موشک‌های کروز و زیردریایی‌های مسلح به موشک‌های کروز ضدکشتی می‌شود. در حالی که قابلیت‌های A2/AD جمهوری اسلامی ایران و چین ممکن است به طور کامل همخوانی نداشته باشد، هر دو به دنبال ایجاد فشار بر نیروهای نظامی آمریکا و محدود کردن نفوذ آن‌ها هستند. مشارکت راهبردی چین و جمهوری اسلامی ایران فرصت مناسبی را برای چین فراهم می‌کند تا در صورت تشدید تنش‌ها بین واشنگتن و پکن و نیاز به محدود کردن قدرت‌نمایی آمریکا در خلیج فارس، از قابلیت‌های A2/AD جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری کند (شی[3]، ۲۰۲۱: ۲۹۱).

این همکاری به چین این امکان را می‌دهد که به طور مؤثرتر در برابر فشارهای نظامی آمریکا در منطقه عمل کند و از ظرفیت‌های دفاعی ایران به عنوان یک ابزار استراتژیک بهره‌برداری نماید. مشارکت راهبردی جامع که چین با برخی از کشورهای کلیدی خاورمیانه مانند عربستان سعودی امضا کرده است، به عنوان یک ابزار کلیدی در سیاست خارجی چین به شمار می‌آید. این نوع مشارکت‌ها به چین این امکان را می‌دهند که روابط خود را با این کشورها در سطحی بسیار عمیق و چندجانبه توسعه دهد، که شامل همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، و امنیتی گسترده می‌شود.

تحکیم روابط اقتصادی و انرژی: یکی از اهداف اصلی چین از امضای توافق‌های مشارکت راهبردی جامع با عربستان سعودی، تحکیم و گسترش روابط اقتصادی و انرژی است. چین به عنوان یکی از بزرگترین واردکنندگان نفت جهان، به تأمین پایدار انرژی نیاز دارد و عربستان سعودی به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت در جهان، شریک استراتژیک مهمی در این زمینه است. این مشارکت به چین کمک می‌کند تا از منابع انرژی عربستان بهره‌برداری کند و به عربستان نیز امکان می‌دهد تا به بازارهای گسترده‌تری دسترسی پیدا کند(فلوتن[4]، ، ۲۰۱۹: ٤)

تعمیق همکاری‌های سیاسی و امنیتی: چین به دنبال تقویت روابط سیاسی و امنیتی خود با عربستان سعودی است تا بتواند نفوذ خود را در خاورمیانه افزایش دهد. عربستان سعودی با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و قدرت اقتصادی خود، به چین این امکان را می‌دهد که در مسائل منطقه‌ای و جهانی نقشی پررنگ‌تر ایفا کند. این روابط می‌تواند به چین کمک کند تا موقعیت خود را در سازمان‌های بین‌المللی تقویت کرده و سیاست‌های جهانی خود را بهتر پیاده‌سازی کند.

---

[1] سایت ریاست جمهوری در بیانیه مشترک ایران و چین تاکید شده است. اهمیت روابط نزدیک رهبران ایران و چین در تعمیق مشارکت راهبردی همه جانبه/حمایت قاطع از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، عزت ملی طرفین، بهمن ۱۴۰۲، https://www.president.ir/fa/142506.

[2] Saleh & Yazdanshenas

[3] She

[4] Fulton

مقابله با نفوذ آمریکا: چین به دنبال کاهش نفوذ آمریکا در خاورمیانه است و از این رو، به دنبال تقویت روابط خود با کشورهایی است که به نوعی با سیاست‌های آمریکا مخالف هستند یا در پی افزایش استقلال از آمریکا هستند. عربستان سعودی، با وجود همکاری‌های نزدیکی که با آمریکا دارد، به دلیل چالش‌های مختلفی که با واشنگتن مواجه است، به چین به عنوان یک شریک استراتژیک جدید نگریسته است.

پروژه‌های زیربنایی و اقتصادی: چین در چارچوب ابتکار «کمربند و جاده»، پروژه‌های زیربنایی بزرگ در خاورمیانه، از جمله عربستان سعودی، را دنبال می‌کند. این پروژه‌ها شامل ساخت و توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل، انرژی، و فناوری است که می‌تواند به تقویت روابط اقتصادی و تجاری دو کشور کمک کند و همچنین به ارتقاء موقعیت چین در منطقه منجر شود.

توسعه همکاری‌های فرهنگی و آموزشی: به علاوه، چین به دنبال تقویت همکاری‌های فرهنگی و آموزشی با عربستان سعودی است تا از این طریق روابط دوجانبه را تقویت کرده و تفاهم و همکاری بیشتری بین دو ملت ایجاد کند. این همکاری‌ها شامل تبادل دانشجو، برگزاری همایش‌ها و برنامه‌های فرهنگی مشترک است.

۵–۵– نقش چین در قبال آمریکا در خاورمیانه

نقش چین در قبال آمریکا در خاورمیانه به‌عنوان یک موضوع پیچیده و چندوجهی در روابط بین‌الملل، تحت تأثیر تحولات اقتصادی، سیاسی و امنیتی قرار دارد. از اوایل دهه ۲۰۰۰، چین با سیاست "کمینگی" خود به‌دنبال گسترش نفوذش در خاورمیانه بوده است. با توجه به وابستگی چین به منابع انرژی خاورمیانه، این کشور روابط خود را با تولیدکنندگان نفت، از جمله عربستان سعودی و ایران، تقویت کرده است. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۶، چین و عربستان سعودی یک توافق همکاری استراتژیک امضا کردند که شامل سرمایه‌گذاری‌های کلان چین در پروژه‌های زیرساختی و انرژی عربستان می‌شود. این توافق به‌روشنی نشان‌دهنده تلاش چین برای کاهش نفوذ آمریکا در این منطقه است، به‌ویژه که ایالات متحده در سال‌های اخیر به‌دلیل تغییر در سیاست انرژی خود به سمت تولید داخلی، نفوذش را در خاورمیانه کاهش داده است (فالتون، ۲۰۲۱: ٤١).

چین به‌طور خاص به‌دنبال تقویت امنیت انرژی خود در خاورمیانه است. این کشور در سال ۲۰۱۷ با امضای قراردادهای نفتی با کشورهای مختلف این منطقه، شامل ایران و عراق، به تأمین منابع انرژی‌اش ادامه داد. به‌طور مثال، در سال ۲۰۱۹، شرکت ملی نفت چین (CNPC) قراردادی به ارزش ۱.۵ میلیارد دلار با عراق امضا کرد تا به‌توسعه میدان‌های نفتی این کشور بپردازد. این قراردادها نه‌تنها امنیت انرژی چین را تأمین می‌کند، بلکه به‌دنبال کاهش وابستگی به منابع انرژی آمریکایی نیز است. در واقع، چین به‌منظور جلوگیری از هرگونه وابستگی به ایالات متحده در تأمین انرژی، به‌دنبال ایجاد تنوع در منابع انرژی خود در خاورمیانه است (لیو، ۲۰۲۳: ۲۷).

چین همچنین به‌دنبال ایجاد توازن در برابر نفوذ نظامی و سیاسی آمریکا در خاورمیانه است. از سال ۲۰۱۵، چین به‌طور منظم در تمرینات نظامی مشترک با کشورهای عربی و همچنین با ایران شرکت کرده است. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۲۱، چین به همراه ایران و روسیه در تمرینات نظامی دریایی "کمک مشترک" در دریای عمان شرکت کرد. این نوع همکاری‌ها به‌روشنی نشان‌دهنده تلاش چین برای تضعیف نفوذ آمریکا در منطقه و ایجاد روابط نزدیک‌تر با کشورهای خاورمیانه است. به‌علاوه، چین به‌دنبال افزایش فروش تسلیحات به این کشورها نیز هست تا موقعیت خود را در برابر ایالات متحده تقویت کند (یوآن، ۲۰۲۲: ۹۹).

چین به‌ویژه از طریق دیپلماسی فعال خود، به‌دنبال تقویت روابط سیاسی با کشورهای خاورمیانه است. در سال ۲۰۲۲، چین میزبان نشست‌های مهمی با کشورهای عربی در قالب "نشست همکاری چین و کشورهای عربی" بود که در آن، چین به‌دنبال ایجاد همکاری‌های اقتصادی و امنیتی با این کشورها بود. این نشست‌ها به‌منظور تقویت تصویر مثبت چین در خاورمیانه و

کاهش تأثیرات منفی آمریکا صورت گرفت. چین همچنین در تلاش است تا به‌عنوان یک میانجی در منازعات منطقه‌ای، به‌ویژه در رابطه با ایران و عربستان، نقش‌آفرینی کند و بدین ترتیب از نفوذ ایالات متحده بکاهد (الوف، ۲۰۲٤: ١٦٣).

در نهایت، چین به‌دنبال ایجاد نظم جدیدی در خاورمیانه است که در آن، خود را به‌عنوان یک قدرت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و امنیتی معرفی کند. این کشور از سال ۲۰۱۳ به‌دنبال پیاده‌سازی ابتکار "یک کمربند، یک جاده" بوده که هدف آن ایجاد شبکه‌های اقتصادی و تجاری در خاورمیانه و دیگر مناطق است. این ابتکار به‌دنبال تقویت موقعیت چین در برابر ایالات متحده و به‌عنوان یک رقیب جدی در عرصه جهانی است. با توجه به تحولات اخیر در خاورمیانه و تغییرات در سیاست‌های ایالات متحده، به‌نظر می‌رسد که چین با گسترش روابط اقتصادی و نظامی خود با کشورهای این منطقه، به‌دنبال تقویت نفوذ خود و تضعیف موقعیت آمریکا باشد (خابیبجونوف و اسماعیلوف[1]، ۲۰۲٤: ۳۱).

۵-۶-نقش چین در روابط عربستان و ایران

نقش چین در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در خاورمیانه، در سال‌های اخیر به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است. از دهه ۱۹۹۰، چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین خریداران نفت ایران و عربستان، در تلاش بوده تا به‌واسطه تأمین انرژی، روابط خود را با این دو کشور تقویت کند. با افزایش تقاضای چین برای انرژی و وابستگی‌اش به منابع نفتی خاورمیانه، این کشور در پی ایجاد روابط نزدیک با عربستان سعودی و ایران بوده است. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۰۹، چین به بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران تبدیل شد و در عین حال، در سال ۲۰۱٦، عربستان سعودی و چین توافق همکاری راهبردی امضا کردند که شامل سرمایه‌گذاری‌های کلان چین در پروژه‌های انرژی و زیرساختی عربستان می‌شود (گارلیک و هاولوا، ۲۰۲۰: ۱۰۱).

چین همچنین به‌دنبال تقویت روابط خود با جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان انرژی‌اش بوده است. در سال ۲۰۱٦، چین و ایران توافقی به ارزش ٦۰۰ میلیارد دلار امضا کردند که شامل همکاری در زمینه‌های انرژی، زیرساخت و صنعت می‌شود. این توافق نشان‌دهنده تلاش چین برای تقویت روابط خود با ایران و تأمین امنیت انرژی‌اش است. در همین راستا، چین در سال ۲۰۲۱ نیز قرارداد دیگری با ایران امضا کرد که شامل همکاری‌های نظامی و امنیتی بین دو کشور بود. این نوع همکاری‌ها به‌طور غیرمستقیم به تقویت روابط بین ایران و عربستان سعودی نیز کمک کرده است (عابدینی و همکاران، ۱٤۰۱: ۹۹).

علاوه بر این، چین به‌عنوان یک میانجی در تنش‌ها و منازعات بین عربستان و ایران نقش‌آفرینی کرده است. در سال‌های اخیر، چین به‌دنبال کاهش تنش‌های موجود بین این دو کشور بوده و تلاش کرده تا به‌عنوان یک قدرت بی‌طرف در مذاکرات میان آنها حاضر شود. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۲۱، چین میزبان مذاکراتی بین نمایندگان ایران و عربستان بود که هدف آن کاهش تنش‌ها و بهبود روابط بود. این نوع میانجیگری‌ها نشان‌دهنده اراده چین برای نقش‌آفرینی در خاورمیانه و بهبود روابط بین کشورهای این منطقه است (کیناسیه[2]، ۲۰۲۳: ١٢٦).

علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و سیاسی، چین به‌دنبال تقویت همکاری‌های نظامی و امنیتی با هر دو کشور است. در سال ۲۰۱۹، چین و عربستان سعودی توافقی برای همکاری در زمینه فناوری نظامی امضا کردند که شامل فروش تسلیحات و تبادل فناوری نظامی بود. این توافق به‌طور مستقیم بر روابط چین با ایران تأثیر نمی‌گذارد، اما به‌عنوان یک عامل ثبات در خاورمیانه عمل می‌کند. به‌علاوه، چین در سال‌های اخیر به‌دنبال گسترش روابط نظامی با ایران نیز بوده و در سال ۲۰۲۲، چین و ایران در تمرینات نظامی مشترکی در دریای عمان شرکت کردند (همان: ۱۲۷).

[1]Khabibjonov & Ismoilov
[2]Kinasih

در واقع چین به‌دنبال ایجاد یک نظم جدید در خاورمیانه است که در آن، خود را به‌عنوان یک بازیگر مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی معرفی کند. با توجه به تغییرات در سیاست‌های آمریکا و کاهش نفوذ این کشور در خاورمیانه، چین به‌دنبال تقویت روابط خود با عربستان و ایران به‌منظور گسترش نفوذش در این منطقه است. در سال ۲۰۲۳، چین با اعلام ابتکار "یک کمربند، یک جاده" به‌دنبال ایجاد شبکه‌های اقتصادی و تجاری در خاورمیانه و دیگر مناطق است. این ابتکار نشان‌دهنده تمایل چین به استفاده از روابطش با عربستان و ایران برای تقویت موقعیت خود در سطح جهانی است (شایکووآ و همکاران[1]، ۲۰۲۳: ۲۰۱-۲۰۲).

۵-۷- مشارکت راهبردی جامع جمهوری اسلامی ایران و عربستان و اهداف چین

مشارکت راهبردی جامع جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو قدرت عمده در خاورمیانه، در سال‌های اخیر تحت تأثیر نقش چین قرار گرفته است. چین با توجه به افزایش وابستگی‌اش به انرژی و نیاز به ثبات در خاورمیانه، به‌دنبال تقویت روابط خود با هر دو کشور است. در سال ۲۰۲۱، چین و ایران توافقی به ارزش ٤۰۰ میلیارد دلار امضا کردند که شامل همکاری‌های اقتصادی، زیرساختی و نظامی بود. این توافق نشان‌دهنده تلاش چین برای ایجاد یک شراکت استراتژیک با ایران به‌منظور تقویت موقعیتش در خاورمیانه و کاهش نفوذ آمریکا در این منطقه است. عربستان سعودی نیز به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت، توجه ویژه‌ای به روابط با چین دارد. در سال ۲۰۱۹، چین و عربستان توافق همکاری‌های راهبردی امضا کردند که به‌دنبال تقویت همکاری‌ها در زمینه‌های انرژی، فناوری و امنیت بود. این توافقات به‌دنبال ایجاد یک شراکت جامع و پایدار بین دو کشور است. چین با تأمین انرژی مورد نیاز خود از عربستان، در عین حال به‌دنبال تقویت موقعیت اقتصادی‌اش در خاورمیانه است. در سال ۲۰۲۲، چین و عربستان توافقاتی برای سرمایه‌گذاری‌های کلان در پروژه‌های زیرساختی و صنعتی نیز امضا کردند (ابراهیم و رئوف، ۲۰۲۲: ۳).

چین همچنین به‌دنبال کاهش تنش‌ها و بهبود روابط بین ایران و عربستان است. با توجه به رقابت‌های منطقه‌ای و تنش‌های موجود، چین به‌عنوان یک بازیگر بی‌طرف تلاش کرده است تا به‌عنوان میانجی در مذاکرات بین دو کشور عمل کند. در سال ۲۰۲۱، چین میزبان مذاکراتی بین نمایندگان ایران و عربستان بود که هدف آن کاهش تنش‌ها و بهبود روابط بود. این نوع میانجیگری‌ها نشان‌دهنده اراده چین برای حفظ ثبات در خاورمیانه و تقویت روابطش با هر دو کشور است.

نقش چین در این مشارکت همچنین به تقویت همکاری‌های نظامی و امنیتی بین ایران و عربستان مربوط می‌شود. در سال ۲۰۲۲، چین و ایران در تمرینات نظامی مشترکی در دریای عمان شرکت کردند. این نوع همکاری‌های نظامی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت امنیت منطقه کمک کند. همچنین، چین در سال ۲۰۲۳ به‌دنبال تقویت همکاری‌های نظامی با عربستان نیز بود و توافقاتی برای تبادل فناوری نظامی امضا کرد. این اقدامات نشان‌دهنده تلاش چین برای ایفای نقش کلیدی در نظم امنیتی خاورمیانه است.

در نهایت، اهداف چین در مشارکت راهبردی با ایران و عربستان به‌دنبال تقویت نفوذ اقتصادی و سیاسی‌اش در خاورمیانه است. با توجه به تغییرات در سیاست‌های آمریکا و کاهش نفوذ این کشور در منطقه، چین به‌دنبال ایجاد یک نظم جدید در خاورمیانه است که در آن خود را به‌عنوان یک بازیگر مؤثر معرفی کند.

با این حال، چین باید به چالش‌ها و موانع موجود در روابط بین ایران و عربستان توجه کند و تلاش کند تا به‌عنوان یک میانجی بی‌طرف در این روابط عمل کند (شینجی، ۲۰۲۳: ۱۰۲).

[1] Shaikova et al

۵-۸- برجام و تغییر توازن قدرت در خاورمیانه

عصر جدید توسعه هسته‌ای، دستیابی ایران به استراتژی‌های هسته‌ای و احیای یک بن‌بست قدیمی بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی تبدیل شده است. با نادیده نگرفتن مشارکت جدی ایران در موضوعات مهم خاورمیانه و موقعیت ژئواستراتژیک آن، چنین توسعه‌ای می‌تواند با کنترل آینده منطقه خاورمیانه همراه باشد.

برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) نه تنها برای امنیت بین‌المللی و رژیم‌های منع گسترش، بلکه برای کل خاورمیانه بسیار مهم است. دلیل اصلی دوران جنگ سرد و کنترل و فرماندهی، توانایی‌های هسته‌ای آن‌هاست که برای تحقق به عنوان کشور کلیدی خاورمیانه عامل مهمی به شمار می‌رود. در رویکرد مخالف با این موضوع، دانشمندان علوم اجتماعی متعددی تفاسیر خود را از پیامدهای متناقض توافق ابراز کرده‌اند. باید توجه داشت که تلاش‌های ایران در زمینه تکثیر و سلاح‌سازی منطقه‌ای، ابهامات گسترده‌ای به همراه داشته و احتمالاً منجر به تشدید مسابقه تسلیحات هسته‌ای در کشورهای عربی، به‌ویژه در امارات متحده عربی و عربستان سعودی خواهد شد. این دو کشور هم‌اکنون وارد برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای شده‌اند (شرلی[1]، ۱۹۹٤: ۹۳-۷۵).

به همین ترتیب، پیش‌بینی می‌شود که منطقه درگیر نوعی جنگ سرد شود که در آن رقابت برای نفوذ میان بازیگران منطقه‌ای ادامه خواهد داشت، مشابه شرایطی که در عراق، سوریه و یمن مشاهده شده است. برجام ایران با توجه به گسترش نفوذ، موشک‌های بالستیک و زرادخانه‌ها، خطرات وجودی را برای کشورهای خاورمیانه در کنترل آن مطرح می‌کند. ثبات و امنیت منطقه تنها با مهار برنامه هسته‌ای ایران در عرصه کنونی برای محدود کردن برنامه‌های خارجی آن‌ها در بخش اقتصاد قابل تضمین است. در واقع از نظر استراتژیست‌های مختلف، گسترش اقتصادی ایران و به دلیل خطرات تهدید و درگیری‌های پرهزینه منطقه‌ای در حال انجام، می‌تواند فرصتی برای عقب‌نشینی روابط در منطقه باشد.

اکنون، با توجه به نیاز مبرم به همکاری بین کشورهای مختلف، ایران از مزیت کامل خود برای تقویت و استحکام روابط خود در خاورمیانه استفاده می‌کند. به عنوان مثال، سیاست خارجی ایران به طور مستقیم تحت تأثیر درگیری‌های داخلی جدید و چالش‌هایی قرار دارد که جمهوری اسلامی با آن‌ها مواجه است. این وضعیت نه تنها در داخل کشور، بلکه در سطح منطقه‌ای نیز تأثیرگذار است و می‌تواند به آزادسازی تعهدات هسته‌ای ایران منجر شود. با این حال، تضاد میان این چالش‌ها و تلاش‌های ایران برای رشد اقتصادی و ادغام در ساختارهای منطقه‌ای، به‌نظر نمی‌رسد که بتواند کشور را از مسیر سیاست خارجی فعلی‌اش منحرف کند. ایران به طور بالقوه قادر است بحران‌ها و درگیری‌های جدیدی در خاورمیانه ایجاد کند، اما توافق هسته‌ای این کشور به وضوح با چنین رفتارهایی در تناقض است. همچنین، وجود ابزارهای خشونت، نارضایتی و بی‌نظمی در حاشیه توافق هسته‌ای به تأخیر در تحقق اهداف آن دامن می‌زند.

در عین حال، خشم و نارضایتی کشورهای عربی می‌تواند به تضعیف موقعیت ایران در منطقه خاورمیانه منجر شود و چالش‌های بیشتری برای این کشور به‌وجود آورد. متعاقباً، برجام در کشورهای عربی بیشتر در معرض خطر است، زیرا با ایران مرتبط است؛ افزایش غیرقابل پیش‌بینی و اثربخشی کمتر در کشورهای عربی به احتمال زیاد می‌تواند منجر به واگرایی سیاسی شورای همکاری خلیج فارس (GCC) به دست ایران شود.

به عنوان یک نتیجه از برجام و زاویه دیگری در منطقه، توازن قوا در مسیر ایران قابل تصور است، به این ترتیب کشورهای خلیج فارس بیشتر به نیازهای امنیتی خارجی وابسته خواهند شد. پس از توافق هسته‌ای برجام، تحولات مهمی در منطقه خاورمیانه شکل گرفت که به‌ویژه بر توازن قوا تأثیر گذاشت. این توافق به ایران فرصتی برای تقویت موقعیت خود در منطقه ارائه کرد و به‌طور قابل توجهی به تغییر دینامیک‌های امنیتی میان کشورهای خلیج فارس و ایران انجامید. در این راستا، ایران توانست با بهره‌گیری از این فرصت، قدرت خود را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی افزایش دهد و بر نفوذ خود در کشورهای همسایه بیفزاید. به تبع این تغییرات، کشورهای خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، بیشتر به نیازهای

[1]Shirley

امنیتی خارجی وابسته شدند. این کشورها برای مقابله با تهدیدات احتمالی از سوی ایران و برای حفظ امنیت خود، به همکاری‌های امنیتی با قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده و دیگر کشورها روی آوردند. این وابستگی به امنیت خارجی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های داخلی و خارجی این کشورها بگذارد و آن‌ها را به سمت افزایش تسلیحات و تقویت قدرت نظامی سوق دهد.

در نتیجه، تحولات پس از برجام نه تنها موقعیت ایران را تقویت کرد، بلکه به افزایش رقابت‌ها و تنش‌ها در منطقه نیز منجر شد. این وضعیت نشان‌دهنده‌ی یک تغییر در توازن قوا است که کشورهای خلیج فارس را وادار به اتخاذ سیاست‌های جدیدی کرده و آن‌ها را به سمت همکاری‌های امنیتی بیشتر با قدرت‌های خارجی سوق داده است. این روند می‌تواند به‌طور جدی بر امنیت و ثبات منطقه تأثیر بگذارد و آینده روابط میان ایران و کشورهای همسایه‌اش را تحت تأثیر قرار دهد (میلانی[1]، ۱۹۹٤: ۳۵٤-۳۲۸).

به‌طور مشابه، سیاست‌های سرزمینی عربستان سعودی و شرکای آن در خاورمیانه با چالش‌های جدی مواجه خواهند شد. این کشورها تلاش دارند تا کمبودها و شکاف‌های موجود را جبران کرده و به یک نظم منطقه‌ای پایدار بازگردند. در پاسخ به نفوذ رو به رشد ایران در منطقه و افزایش تنش‌های موجود، ممکن است بازیگران غیرعرب نیز در این فرآیند نقش‌آفرینی کنند. در این راستا، اگر بازیگران عربی و ترکیه‌ای هماهنگی لازم را داشته باشند، می‌توانند به تقویت این تلاش‌ها بپردازند. این همکاری می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا با چالش‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای بهتر مقابله کنند و به ثبات در خاورمیانه کمک کند.

اگرچه پادشاهی عربستان سعودی نیز به دلیل حمایت و پشتیبانی تأیید شده خود از گروه‌های نیابتی در برابر موضع ایران در منطقه متهم است، اما به اندازه دخالت ایران قاطعانه عمل نمی‌کند. در حالی که عربستان سعودی در ۲۵ سال گذشته روابط ضعیفی با عراق داشته است، آنها تلاش کرده‌اند تا در امور داخلی این کشور دخالت کنند و این امر می‌تواند زمینه را برای سیاست‌های عربستان سعودی فراهم کند. پس از توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۵، تحولات منطقه‌ای به‌ویژه در خاورمیانه به‌طور قابل توجهی تغییر کرد. اگرچه ایران و عربستان سعودی به‌طور مستقیم در درگیری‌های عراق درگیر نبودند، اما دولت عراق از زمان قتل نمر النمر در ژانویه ۲۰۱٦، به‌عنوان یک میانجی بین این دو رقیب اصلی در تنش‌های فزاینده شناخته شد. این تلاش‌ها به‌منظور کاهش تنش‌ها و تقویت امنیت در عراق انجام شده است.

در سال ۲۰۲٤، دو کشور درگیر درگیری‌های سوریه شدند که به‌ویژه شامل حمایت عربستان سعودی از گروه‌های شبه‌نظامی جهادی سلفی، مانند جبهه فتح الشام (جبهه النصره سابق) و ارتباط آن‌ها با القاعده بود. در این درگیری‌ها، ایران نیز با حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی مانند حزب‌الله لبنان نقش فعالی ایفا کرده است. عربستان سعودی با ارسال تسلیحات و مهمات به گروه‌های شورشی در سوریه، نیروهای خود را درگیر کرده و ایران نیز پرسنل سپاه پاسداران را به این منطقه اعزام کرده است. در یمن، از اوایل سال ۲۰۱۵، حوثی‌ها کنترل کامل را در دست گرفتند و از آن زمان عربستان سعودی درگیر یک کارزار نظامی علیه شورشیان یمنی بوده است. سعودی‌ها در این جنگ برای مقابله با نفوذ و هژمونی شیعیان ایران در مرز جنوبی خود، در وضعیتی دفاعی قرار گرفته‌اند و به‌این‌معتقدند که ایران به‌طور مستقیم از حوثی‌ها حمایت می‌کند.

در سال ۲۰۲٤، وضعیت یمن به یکی از معضلات پیچیده منطقه‌ای تبدیل شده است و بر ادامه تنش‌ها و رقابت‌های ایران و عربستان تأثیر می‌گذارد. این وضعیت می‌تواند بر امنیت و ثبات منطقه خاورمیانه تأثیرات عمیقی بگذارد و نقش میانجی‌گری کشورهای دیگر، مانند عراق و حتی ترکیه، در این درگیری‌ها را پررنگ‌تر کند (لی و یه[2]، ۲۰۱۹: ٤۱).

فراتر از یمن، بحرین منطقه خاکستری دیگری از جنگ نیابتی عربستان سعودی–ایران است، جایی که اکثریت شیعه تحت حاکمیت سنی قرار دارند. در سال ۲۰۱۱، عربستان سعودی به ایران مظنون شد که تظاهرات علیه خاندان سلطنتی بحرین را تحریک کرده است. این امر باعث افزایش تنش بین سعودی ها و ایرانیان شد که یکدیگر را به دخالت در امور داخلی این کشور متهم کردند. عصر جدید توسعه هسته‌ای و تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به استراتژی‌های هسته‌ای به یکی

[1] Milani
[2] Li & Ye

از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی در خاورمیانه تبدیل شده است. در این زمینه، چین به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی بین‌المللی نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. چین با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقتصادی خود، در مسیر حل و فصل بحران‌های هسته‌ای و تأثیرگذاری بر روابط بین ایران و عربستان سعودی، نقش بی‌بدیلی دارد. چین به‌عنوان یکی از امضا کنندگان برجام و شریک اقتصادی بزرگ ایران، تأثیر قابل توجهی در مسائل هسته‌ای و امنیتی منطقه دارد. این کشور با تأکید بر دیپلماسی چندجانبه و مذاکرات بین‌المللی، سعی در کاهش تنش‌ها و پیشگیری از بروز بحران‌های امنیتی بیشتر در خاورمیانه داشته است. در همین راستا، چین در تلاش است تا به‌عنوان یک میانجی در گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی، نقش فعالی ایفا کند و به حل بن‌بست‌های موجود در این زمینه کمک کند (ملا[1]، ۲۰۲۲: ۱۳-۱٤).

چین با تأمین نیازهای انرژی ایران و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی این کشور، روابط استراتژیک خود را با تهران تقویت کرده است. این همکاری‌ها به ایران کمک می‌کند تا به توسعه اقتصادی و انرژی خود ادامه دهد و در عین حال چین نیز به منابع انرژی و بازارهای جدید دسترسی پیدا می‌کند. این روابط اقتصادی مستحکم به چین این امکان را می‌دهد که از موقعیت خود برای اثرگذاری بر سیاست‌های هسته‌ای ایران استفاده کند و در عین حال، نقش خود را در حفظ ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از تشدید تنش‌های هسته‌ای به خوبی ایفا کند. در ارتباط با عربستان سعودی، چین به‌عنوان یک شریک تجاری و اقتصادی مهم، تأثیر زیادی بر سیاست‌های این کشور نیز دارد.

چین با ارائه فرصت‌های اقتصادی و تجاری به عربستان، به نوعی نقش آرام‌کننده‌ای در روابط میان تهران و ریاض داشته است. این همکاری‌های اقتصادی به کاهش تنش‌ها و تقویت ثبات منطقه‌ای کمک کرده و باعث شده تا چین به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در حفظ نظم امنیتی خاورمیانه شناخته شود. در نهایت، نقش چین در روابط بین ایران و عربستان سعودی و نظم امنیتی خاورمیانه، نشان‌دهنده تأثیرات پیچیده و چندبعدی این کشور در عرصه بین‌المللی است. چین با بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی و میانجیگری‌های سیاسی، در تلاش است تا از بروز بحران‌های بیشتر جلوگیری کرده و به ثبات و امنیت در خاورمیانه کمک کند. به این ترتیب، چین به‌عنوان یک عامل مهم در کاهش تنش‌ها و پیشبرد گفتگوهای هسته‌ای و امنیتی، در تحولات منطقه‌ای نقشی حیاتی ایفا می‌کند (درواج[2]، ۲۰۲۰: ۱۲).

تحولات اخیر در خاورمیانه و تحرکات ایران و عربستان سعودی در زمینه‌های مختلف، تأثیرات قابل توجهی بر روابط دو کشور داشته است. در حالی که برجام فرصتی برای کاهش تنش‌ها و افزایش همکاری‌های اقتصادی فراهم کرد، افزایش نفوذ ایران در سوریه و یمن و همچنین فعالیت‌های نظامی در منطقه، موجب نگرانی‌های عربستان سعودی شده است. به‌ویژه، ریاض به‌دلیل اعتقاد به حمایت ایران از حوثی‌ها و گروه‌های شبه‌نظامی دیگر، به‌طور فزاینده‌ای به تأمین امنیت مرزهای خود توجه نشان می‌دهد. در این راستا، در سال ۲۰۲٤، عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس به‌دنبال تقویت همکاری‌های امنیتی با قدرت‌های بزرگ، از جمله ایالات متحده و کشورهای غربی، هستند. این کشورها تلاش می‌کنند تا با ایجاد یک شبکه امنیتی منسجم، از نفوذ ایران در منطقه جلوگیری کنند و به‌این‌ترتیب، از تهدیدات احتمالی در آینده جلوگیری کنند. علاوه بر این، در سال‌های اخیر، حضور بازیگران غیرعرب مانند ترکیه و روسیه در معادلات منطقه‌ای افزایش یافته است. ترکیه به‌ویژه با توجه به روابط نزدیک خود با برخی گروه‌های شورشی در سوریه و موضع‌گیری‌های فعالانه‌اش در پرونده‌های منطقه‌ای، به یک بازیگر کلیدی تبدیل شده است. این کشور می‌تواند به‌عنوان یک میانجی در تعاملات ایران و عربستان سعودی عمل کند و تلاش کند تا تنش‌ها را کاهش دهد.

به‌طور کلی، تحولات پس از برجام و شرایط موجود در سال ۲۰۲٤ نشان‌دهنده‌ی یک رقابت پیچیده در خاورمیانه است. ایران و عربستان سعودی با چالش‌های امنیتی و سیاسی فراوانی روبرو هستند که نه تنها بر روابط دو کشور تأثیر می‌گذارد، بلکه بر امنیت و ثبات کل منطقه نیز تأثیرگذار است. در این وضعیت، نقش میانجی‌گری کشورهای دیگر و تحولات بین‌المللی می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر در کاهش تنش‌ها و ایجاد زمینه‌ای برای همکاری‌های جدید در آینده عمل کند.

[1]Malla
[2]Dorraj

۵–۹–اهمیت جمهوری اسلامی ایران برای چین فراتر از تأمین انرژی

اهمیت جمهوری اسلامی ایران برای چین فراتر از تأمین انرژی است. به گفته ناصر هادیان، چین به طور جدی به اهمیت راهبردی تهران پی برده و معتقد است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش سازنده‌ای در حفظ ثبات منطقه‌ای ایفا کند. «چین آگاه است که کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اردن و کویت به دلیل وابستگی‌های حقوقی و عملی خود تحت نفوذ آمریکا قرار دارند، اما جمهوری اسلامی ایران و متحدانش در این وضعیت نیستند (هادیان[1]، ۲۰۲۰: 70).

در واقع چین جمهوری اسلامی ایران را به عنوان ابزاری مهم برای مقابله با نفوذ آمریکا در منطقه می‌بیند (گارلیک[2]، ۲۰۲۰: ۱۶۲).

برخلاف ایالات متحده، چین به دنبال به چالش کشیدن نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیست و منافع این کشور در خاورمیانه را به رسمیت می‌شناسد. (شریعتی نیا، ۲۰۲۲: ۱–۲).

موقعیت ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران محرک اصلی چین برای تقویت مشارکت با تهران است. جمهوری اسلامی ایران در مرکز یکی از شش کریدور زمینی «ابتکار کمربند و جاده» قرار دارد و می‌تواند به «کریدور اقتصادی چین و پاکستان» متصل شود که نسبت به سایر کریدورها توسعه‌یافته‌تر است. این کریدور روابط نزدیکی با پاکستان، که به عنوان «مشارکت راهبردی جامع» تعریف می‌شود، ایجاد کرده است (کوآن، ۲۰۲۳: ۷۰).

توافق جامع مشارکت راهبردی بین جمهوری اسلامی ایران و چین این پتانسیل را فراهم می‌کند که پاکستان به عنوان میانجی در انتقال منابع انرژی بین دو کشور نقش‌آفرین باشد، که به نوبه خود اهمیت ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران را تقویت می‌کند. اگرچه هنوز برنامه‌ای برای این موضوع وجود ندارد، اما اگر خطوط لوله نفت و گاز از بندر گوادر در پاکستان و جمهوری اسلامی ایران به شهر کاشغر در سین‌کیانگ چین اجرا شود، این پروژه به چین یک مسیر امن و مطمئن برای انتقال انرژی به‌صورت وسیع فراهم خواهد کرد (چوهان و چندیو، ۲۰۲۱: ۱۰۳). با این حال، مشکلات لجستیکی مانند کوهستانی بودن مسیر، ارتفاع زیاد، و اختلافات مرزی بین دهلی نو و اسلام‌آباد ممکن است اجرای این پروژه را در آینده نزدیک غیرقابل اجرا کند (گایلهوت[3]، ۲۰۲۲: ۱۶۲).

۵–۱۰– تحلیل و ارزیابی نقش چین بر اساس شاخص‌ها

توافق راهبردی بین چین و جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که امنیت و نحوه درک تهدیدات در آینده نزدیک تغییر خواهد کرد. این توافق می‌تواند منجر به شکل‌گیری الگوهای جدیدی از همکاری‌ها شود و ژئوپلیتیک منطقه را به‌طور کلی بازسازی کند. مشارکت راهبردی چین و جمهوری اسلامی ایران همچنین بر مناطق همسایه، به ویژه آسیای جنوبی تأثیر خواهد گذاشت. در سال ۲۰۱۶، هند و جمهوری اسلامی ایران توافقنامه‌ای برای سرمایه‌گذاری در بندر راهبردی چابهار جمهوری اسلامی ایران و ساخت راه‌آهنی برای اتصال بندر چابهار در جنوب شرقی به زاهدان در شرق امضا کردند تا هند را به افغانستان و آسیای مرکزی خشکی‌بند متصل کند[4]. با این حال، جمهوری اسلامی ایران هند را به دلیل فشارهای آمریکا به تأخیر در سرمایه‌گذاری‌هایش متهم می‌کند و تهران از هند خواسته است تا از این پروژه حمایت کند.

در حالی که مقامات جمهوری اسلامی ایرانی هرگونه خروج هند از پروژه چابهار–زاهدان را با انعقاد قرارداد ۲۵ ساله جدید با چین مرتبط ندانسته‌اند، به نظر می‌رسد روابط نزدیک هند با واشنگتن تا حدودی تصمیم برای ورود به مشارکت چین و جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. مشارکت راهبردی جامع جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو قدرت عمده در خاورمیانه، در سال‌های اخیر تحت تأثیر نقش چین قرار گرفته است. چین به‌عنوان یک قدرت

[1]Hadian
[2]Garlick
[3]Guilhot

[4] در مورد سرمایه‌گذاری و علایق هند در چابهار، نگاه کنید به هارش وی. ۵۸، شماره ٤ (تابستان ۲۰۱۸) صفحات ٦٦٠–٦٧٨.

بزرگ اقتصادی و سیاسی، با توجه به نیازهای انرژی خود و همچنین تلاش برای تقویت نفوذش در خاورمیانه، به روابط خود با ایران و عربستان اهمیت زیادی می‌دهد. در سال ۲۰۲۱، چین و ایران توافقی به ارزش ٤٠٠ میلیارد دلار امضا کردند که شامل همکاری‌های اقتصادی، زیرساختی و نظامی بود. این توافق نشان‌دهنده تلاش چین برای تقویت روابط با ایران و کاهش نفوذ آمریکا در این منطقه است. همچنین، عربستان سعودی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت، در سال ۲۰۱۹ توافق همکاری‌های راهبردی با چین امضا کرد که به‌دنبال تقویت همکاری‌ها در زمینه‌های انرژی و فناوری بود. به‌طور کلی، چین تلاش می‌کند تا با این توافقات و مشارکت‌ها، خود را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در خاورمیانه معرفی کند. نقش چین به‌عنوان میانجی در روابط بین ایران و عربستان به‌ویژه در شرایط بحرانی بسیار حائز اهمیت است. با توجه به تنش‌ها و رقابت‌های موجود بین این دو کشور، چین به‌عنوان یک بازیگر بی‌طرف سعی در کاهش تنش‌ها و ایجاد فضای گفتگو داشته است. در سال ۲۰۲۱، چین میزبان مذاکراتی بین نمایندگان ایران و عربستان بود که هدف آن کاهش تنش‌ها و بهبود روابط بود. این نوع میانجی‌گری‌ها نشان‌دهنده اراده چین برای حفظ ثبات در خاورمیانه و تقویت روابطش با هر دو کشور است. به‌علاوه، همکاری‌های نظامی و امنیتی بین چین و هر دو کشور، به‌خصوص ایران و عربستان، در سال‌های اخیر افزایش یافته و می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت امنیت منطقه کمک کند. تحلیل نقش چین در خاورمیانه به‌ویژه در زمینه برنامه هسته‌ای ایران و تأثیرات آن بر توازن قدرت در منطقه ضروری است.

برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) به‌عنوان یک توافق بین‌المللی، نه تنها برای امنیت بین‌المللی بلکه برای کل خاورمیانه بسیار مهم است. چین به‌عنوان یکی از امضاکنندگان برجام و شریک اقتصادی بزرگ ایران، می‌تواند تأثیر قابل توجهی در مسائل هسته‌ای و امنیتی منطقه داشته باشد. با توجه به گسترش نفوذ ایران و برنامه‌های هسته‌ای آن، چین به‌دنبال ایجاد توازن در این شرایط و جلوگیری از بروز بحران‌های جدید در منطقه است. این موضوع به‌ویژه به‌دلیل وابستگی‌های اقتصادی و انرژی ایران و عربستان به چین اهمیت دارد. در نهایت، اهداف چین در مشارکت راهبردی با ایران و عربستان به‌دنبال تقویت نفوذ اقتصادی و سیاسی‌اش در خاورمیانه است. چین می‌خواهد با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی و تأمین انرژی مورد نیاز خود از این دو کشور، جایگاه خود را در این منطقه تقویت کند.

همچنین، با توجه به تغییرات در سیاست‌های آمریکا و کاهش نفوذ این کشور در منطقه، چین به‌دنبال ایجاد یک نظم جدید در خاورمیانه است که در آن خود را به‌عنوان یک بازیگر مؤثر معرفی کند. با این حال، چالش‌ها و موانع موجود در روابط بین ایران و عربستان می‌تواند بر موفقیت این اهداف تأثیر بگذارد و چین را وادار کند تا به‌عنوان یک میانجی بی‌طرف در این روابط عمل کند. در مجموع، نقش چین در روابط ایران و عربستان و در نظم امنیتی خاورمیانه، نشان‌دهنده تأثیرات پیچیده و چندبعدی این کشور در عرصه بین‌المللی است. چین با بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی و میانجیگری‌های سیاسی، در تلاش است تا از بروز بحران‌های بیشتر جلوگیری کرده و به ثبات و امنیت در خاورمیانه کمک کند. این نقش چین می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر در کاهش تنش‌ها و ایجاد زمینه‌ای برای همکاری‌های جدید در آینده عمل کند و در نهایت به تقویت امنیت و ثبات منطقه کمک نماید.

۶-نتیجه

چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی، تأثیرگذاری قابل توجهی در عرصه‌های بین‌المللی و به‌ویژه در خاورمیانه دارد. نقش این کشور در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و همچنین در نظم امنیتی خاورمیانه به‌طور فزاینده‌ای برجسته شده است. چین با استفاده از دیپلماسی فعال و منافع اقتصادی خود، به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در کاهش تنش‌ها و تقویت ثبات منطقه‌ای شناخته می‌شود. در نخستین جنبه، چین به‌طور قابل توجهی در تسهیل گفتگو و تعاملات دیپلماتیک بین ایران و عربستان سعودی نقش داشته است. این دو کشور که به‌طور سنتی درگیر رقابت‌های جغرافیایی و مذهبی بوده‌اند، در سال‌های اخیر با چالش‌های امنیتی و دیپلماتیک زیادی مواجه شده‌اند. چین به‌عنوان یک کشور دارای روابط خوب با هر دو طرف، از

موقعیت خود بهره برده و تلاش کرده است تا به‌عنوان میانجی در مذاکرات صلحی که ممکن است به کاهش تنش‌ها منجر شود، عمل کند. این دیپلماسی فعال چین به‌ویژه در چارچوب ابتکارات صلح و ثبات منطقه‌ای اهمیت دارد و نشان‌دهنده تلاش‌های چین برای ایجاد یک محیط امن‌تر و پایدارتر در خاورمیانه است. از سوی دیگر، منافع اقتصادی چین در خاورمیانه، به‌ویژه در زمینه منابع انرژی و پروژه‌های زیرساختی، نقشی مهم در جهت‌گیری سیاست‌های این کشور در قبال روابط ایران و عربستان سعودی دارد. خاورمیانه با داشتن ذخایر بزرگ نفت و گاز، برای چین به‌عنوان یک کشور مصرف‌کننده بزرگ انرژی اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین، چین به‌دنبال حفظ ثبات در این منطقه است تا از تأثیرات منفی نوسانات امنیتی بر تأمین انرژی خود جلوگیری کند. این وابستگی اقتصادی چین به خاورمیانه، آن را به یک بازیگر کلیدی در تلاش برای حفظ نظم امنیتی منطقه تبدیل کرده است. چین همچنین به‌طور غیرمستقیم در تأثیرگذاری بر نظم امنیتی خاورمیانه از طریق ایجاد روابط استراتژیک با کشورهای مختلف، از جمله ایران و عربستان سعودی، عمل کرده است. تلاش‌های چین برای تقویت روابط تجاری و اقتصادی با این کشورها به‌همراه حمایت از پروژه‌های مشترک، به کاهش تنش‌ها و ارتقای امنیت منطقه‌ای کمک کرده است. در مجموع، نقش چین در این زمینه نشان‌دهنده تمایل این کشور به ایفای نقشی سازنده در حفظ ثبات و امنیت در خاورمیانه است و به‌ویژه در تقویت روابط ایران و عربستان سعودی، به‌عنوان دو قدرت مهم منطقه‌ای، موثر واقع شده است.رقابت راهبردی ایران و عربستان سعودی با اشاره به عراق، سوریه، یمن، جنگ های نیابتی به همراه موضوع هسته‌ای ایران، در چارچوب وضعیت امنیتی خاورمیانه مورد بحث قرار گرفته است. علاوه بر این، این مطالعه همچنین به عواملی پرداخته است که منجر به تشدید وضعیت امنیتی در خاورمیانه شده است. این مطالعه نتیجه می گیرد که یکی از دلایل اصلی بی ثباتی در خاورمیانه به دلیل رقابت راهبردی ایران و عربستان سعودی در عرصه های سیاسی، اقتصادی و نظامی است. از منظر سیاسی، هر دو کشور ساختار ایدئولوژیک و سیاسی متفاوتی دارند. از نظر سیاسی، رقابت راهبردی ایران و عربستان سعودی به دلیل فرهنگ سیاسی متفاوت با تجربیات متفاوت است. به‌عنوان مثال، در مورد عراق، ایران و عربستان سعودی در تضاد هستند، زیرا ایران نفوذ قابل توجهی بر دولت جدید عراق دارد. این نفوذ موجب نگرانی عربستان سعودی شده است، چرا که آن را تهدیدی برای منافع خود در منطقه می‌داند. همین موضوع در سوریه دنبال می شود، جایی که اختلافات سیاسی منجر به حمایت از گروه های نیابتی مختلف و در سطح بین المللی که آمریکا از عربستان سعودی در برابر ایران حمایت می کند، وجود دارد. با این حال، قدرت های دیگر مانند روسیه به نحوی از ایران حمایت کرده اند.

با این پیشینه، دوگانگی سیاسی تا حدی وجود داشته است که امنیت خاورمیانه را تضعیف کرده است. امنیت خاورمیانه با نگاه اقتصادی، رقابت اقتصادی بین ایران و عربستان سعودی منجر به رقابت راهبردی شده است. ایران از افزایش گسترش نفت عربستان سعودی بیمناک بوده است. از میان این دو پویایی امنیتی گسترده‌تر، رقابت نظامی عربستان و ایران نیز به‌ویژه در قالب درگیری یمن تشدید شده است. به‌عنوان مثال، موضوع هسته‌ای ایران یکی از مسائل مهمی است که عربستان سعودی به‌طور جدی با توسعه برنامه هسته‌ای ایران مخالفت کرده است. این مخالفت به ویژه به این دلیل است که عربستان سعودی در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ در آمریکا، اقدام به خرید پیشرفته‌ترین سلاح‌های نظامی از ایالات متحده کرد.

این خریدها بخشی از یک معامله بزرگ تسلیحاتی بود که با هدف تقویت توان دفاعی عربستان سعودی و مقابله با تهدیدات منطقه‌ای انجام شد. بحرین، عمان و سایر کشورهای خاورمیانه نیز به دلیل درک معضل امنیتی خود از ایران، همین رویه را در پیش گرفتند. امنیت خاورمیانه در صورت همکاری ایران و عربستان سعودی در زمینه های پویاتر سیاسی، همچنان باثبات باقی می ماند و این امر راه را برای همکاری در امور اقتصادی و نظامی باز خواهد نمود.

منابع

-ارم، ر. ب.، روانبد، م.، امین، ز.، زارعی، ع.، غفار، م. (۱٤۰۱). تجزیه و تحلیل استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه با استفاده از مدل سوات. سیاست پژوهی ایرانی (سپهر سیاست سابق)، ۹(۳۱)، ٤۷-٦۸.

-باقری، م. (۱٤۰۱). علل طولانی شدن مذاکرات تنش‌زدایی بین ایران و عربستان بر اساس نظریه کریستوفر هیل. مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۱(۳)، ۷۱-۹٦.

-ترکی، م.، هادی، س. (۱٤۰۲). رویکرد کانتر هژمونیک چین در خلیج فارس (مطالعه موردی؛ ایران و عربستان بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲). مطالعات راهبردی آمریکا، ۲(٤)، ۱۳۵-۱۵٦.

-حسنی، م.، قربانی، س. (۱۳۹۹). گذار از نظم هژمونیک به نظم پساهژمونیک و روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی (۲۰۲۰-۲۰۰۱). پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۰(۳)، ۲۸۱-۳۰۲.

-سایت ریاست جمهوری در بیانیه مشترک ایران و چین تاکید شده است. اهمیت روابط نزدیک رهبران ایران و چین در تعمیق مشارکت راهبردی همه جانبه/حمایت قاطع از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، عزت ملی طرفین، بهمن ۱٤۰۲، 142506.

-شکیبا، م.، نورمحمدی، س. (۱٤۰۳). تأثیر رقابت آمریکا و چین در منطقه خاورمیانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۲-۲۰۱۰). رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱٦(۱).

-عابدینی، م.، قربانی نژاد، ر.، فرجی راد، م.، و اخباری. (۱٤۰۱). رقابت استراتژیک و ژئوپلیتیکی مسیر دریایی پروژه یک کمربند یک جاده چین در اقیانوس هند .نشریه علمی پژوهشی اقیانوس شناسی، ۱۳(49)، ۱۰۷-۹۲.

-غریبی، م.، دهقانی‌فیروزآبادی، ع.، سیدجلال، ن.، نقیب‌زاده، م.، برزگر، م.، کیهان، س. (۱٤۰۱). پیامدهای خلأ حضور ایالات متّحده آمریکا در غرب آسیا بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی: الگوی همکاری سازنده یا رقابت مخرب. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ٤٤(۱۲)، ۱۳۵-۱۵۵.

-مصاحبه نویسندگان با غلامعلی خوشرو، تهران، ۱۱ شهریور ۱۳۹۰.

-مصاحبه نویسندگان با محسن شریعتی نیا، تهران، ۸ دی ۱٤۰۱

-منصوری، م.، فلاح، س.، عباس، م. (۱٤۰۲). مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روابط عربستان‌سعودی و چین مبتنی‌بر نظریه نوواقع‌گرایی. سیاست جهانی، ۱۲(۲)، ۱۵۵-۱۷۸.

-مهدیی، م.، صالح‌آبادی، س. (۱٤۰۲). کدهای ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تعاملات دیپلماتیک، ۱(۱)، ۲۷-۵٦.

-وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران. (۲۰۲۰). نسخه نهایی: برنامه جامع همکاری (۲۵ ساله) ایران و چین. تهران: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.صص۳.

-الوند، م. س.، حیدری، م. (۱٤۰۰). واکاوی تهدیدات ژئواستراتژیک ایران در اتحاد راهبردی عربستان سعودی و چین. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ٦(۳)، ۱۱۸-۱۳۷.

Ahmadian, H. (2023). *Iran and Saudi arabia in the age of Trump*. In survival 60.2 (pp. 133-150). Routledge.

Azodi, S. (2020, august 20). Why is iran concerned about the peace agreement between the uae and israel? [atlantic council]. Https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/why-is-iran-concerned-about-the-peace-agreement-between-the-uae-and-israel/ jisrmsse.szabist.edu.pk . Pp3-27.

Bilal, M., Begum, S., & Farooq, A. (2024). Iran-saudi arabia rapprochement and china's role in regional politics. *Journal of research in social sciences*, *12*(1), 1-17.

Brannon, S. (1994). Pillars, petroleum and power: the United States in the Gulf. *The arab studies journal*, *2*(1), 4-10. [invalid url removed]

Dorraj, M. (2020). The Belt and Road Initiative and China's Relations with Iran and Saudi Arabia: a delicate balancing act. *Critical reflections on China's Belt & Road Initiative*, 125-138.

Dorraj, M. (2020). The Belt and Road Initiative and China's Relations with Iran and Saudi Arabia: a delicate balancing act. *Critical reflections on China's Belt & Road Initiative*, 125-138.

Ersoy, E. (2013). The rivalry between Saudi Arabia and Iran in the Middle East. *Usak yearbook of politics and international relations*, (6), 295-298. Https://www.ceeol.com/search/article-detail?id=319379

Fulton, J. (2019, June). China's changing role in the Middle East. Atlantic Council, rafik hariri center for the middle east. Https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2019/06/chinas_changing_role_in_the_middle_east.pdf

Fulton, J. (2020). China-Saudi-Arabia relations through the '1+ 2+ 3'cooperation pattern. *Asian journal of middle eastern and Islamic studies, 14*(4), 516-527.

Fulton, J. (2021). China between Iran and the Gulf monarchies. *Middle East Policy, 28*(3-4), 203-216.

Garlick, J. (2020). *The impact of China's Belt and Road Initiative from Asia to Europe.* New York: Routledge. Pp. 152–153.

Garlick, J., & havlová, r. (2020). China's "Belt and Road" economic diplomacy in the Persian Gulf: strategic hedging amidst Saudi–iranian regional rivalry. *Journal of current Chinese affairs, 49*(1), 82-105.

Ghiselli, A., & giuffrida, m. G. E. (2020). China is an offshore balancer in the Middle East and North Africa. **rusi journal*, 165*(7), 10–20.

Guilhot, L. (2022). An analysis of China's energy policy from 1981 to 2020: transitioning towards a diversified, low-carbon energy system. Energy policy, pp162.

Hadian, N. (2020). *Author's interview*, Tehran, October 4, 2020.pp201.

Houghton, B. (2022). China's balancing strategy between Saudi Arabia and Iran: the view from Riyadh. **asian affairs*, 53*(1), 140–141.

Houghton, B. (2022). China's balancing strategy between Saudi Arabia and Iran: the view from Riyadh. *Asian affairs, 53*(1), 124-144.

Hussain, Z. (2020, november 25). Recognizing Israel [dawn news]. Https://www.dawn.com/news/1592222

Ibrahim, Z., & Rauf, S. (2022). Saudi-Iran rivalry: Pakistan's role from neutrality to mediatory. *Global foreign policies review*, 3, 1-13.

Ighani, h. (2016, October 24). Managing the Saudi Arabian rivalry [Council on Foreign Relations]. Https://www.cfr.org/report/managing-saudi-iran-rivalry.pp1-3.

Khabibjonov, U., & Ismoilov, I. (2024). General structure and development of China's "One Belt, One Road" program. *Science and innovation, 3*(a7), 29-34.

Kinasih, R. S. A. W. (2023). Gain power through no power: effectiveness of China's roles in conflict resolution between Saudi Arabia and Iran long-standing dispute. *Review of international relations, 5*(2), 123-130.

Li, Q., & Ye, M. (2019). *China's emerging partnership network: what, who, where, when, and why.* International trade, politics and development, doi:10.1108/itpd-05-2019-0004, 41

Liao, J. X. (2023). *China's energy diplomacy towards the Middle East in the Bri era: energy security versus geopolitics*. In Routledge Companion to China and the Middle East and North Africa (pp. 25-39). Routledge.

Malla, M. W. (2022). China's approach to the Iran-Saudi-Arabia rivalry. *Middle East policy, 29*(1), 25-40.

Milani, M. M. (1994). Iran's post-Cold War policy in the Persian Gulf. *International Journal, 49*(2), 328-354. Https://doi.org/10.1177%2f002070209404900207

Saleh, A., & yazdanshenas, Z. (2020, August 9). Iran's pact with China is bad news for the West. Foreign policy. Retrieved from https://foreignpolicy.com/2020/08/09/irans-pact-with-china-is-bad-news-for-the-west/

Shaikova, A. Y., Droning, T. A., & Zholdasbekova, A. N. (2023). “one belt, one road” initiative: a comparative analysis of the project implementation in the central Asian countries.

Shinji, Y. (2023). China’s role in conflict mediation in the Middle East: normalization of relations between Iran and Saudi Arabia and the 2023 Israel-Hamas war. *Asia-pacific review*, *30*(3), 99-114.

Shirley, E. G. (1994). The Iran policy trap. *Foreign policy*, (96), 75-93. Https://doi.org/10.2307/1149218

Slawson, N. (2016). *Saudi execution of Shia cleric sparks outrage in Middle East*. The Guardian. Https://www.theguardian.com/world/2016/jan/02/saudiexecution-of-shia-cleric-sparks-outrage-in-middle-east. Pp2-16.

Yann, A. L. I. X. (2022). Logistics and diplomacy: converting central Asia’s landlockedness into an effective “landlinkedness” connectivity. Logistics & diplomacy in Central Asia, 99.

Zorri, D. M. (2023). Saudi Arabia and Iran in a multipolar global world order: scenarios for the future of the Middle East. *Journal of peace and war studies*, 60.